

سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر

۱۶ صفحه

# بیکار

گرامی باد یاد شهدای بخون خفته خلق که در روزهای اخیر در کردستان و در دانشگاههای سراسر کشور بشهادت رسیدند!

سال دوم - دوشنبه ۱۵ اردیبهشت ۱۳۵۹ - بها ۲۰ ریال

گزارشی از راهپیمایی روز اول ماه مه در تهران:

## ۱۱ اردیبهشت، روز نبرد کارگر، علیه سرمایه دار



## آغاز دومین سال انتشار «بیکار»

یکسال گذشته برای مردم ستمدیده\* میهن ما سرشار از شور و شوق مبارزه، آموختن و بیکار بستن آموزشی جدید در مبارزه بوده است. مردمیکه همه قیام را آفریدند و بیش از پیش عظمت نیروی خود را کشف کردند، در تب و تاب با زهم پیشروی و ساز هم پیروزی سوخته اندومی سوزند. آنها در این راه به آگاهی و به سازماندهی نیاز دارند و این است دلیل این همه تشنگی بوده ها و استقبال آسان از نشریات انقلابی. ما افتخار می کنیم که در این زمینه «بیکار» توانسته است در خود در میان کارگران و زحمتکشان و روشنفکران انقلابی جا باز کند و در بالا بردن آگاهی آنان و سازماندهی شان نقش فعالی ایفا نماید.

۸ اردیبهشت با رسال بود که اولین شماره «بیکار» با هدف افشاکری و کارآگاه گرانسه سیاسی - تبلیغی، انتشار یافت و با انتشار «بیکار» شماره ۵۲ «بیکار» دومین سال انتشار خود را آغاز نمود.

ما از همان ابتدا بر آن بودیم که با تمام توان خویش ما به قدرت رسیدگان جدید، نمایندگان بورژوازی و تجار بازاری را که بر این قدرت قرار گرفته بودند، به مردم بشناسانیم و در این کار جزو موفق ترین نیروهای انقلابی بودیم، آری «بیکار» برچم «بیکار» علیه لیبرالها، علیه نمایندگان سرمایه - داری و وابسته را از همان اولین شماره، به اهتزاز در آورد و هم در استان بورژوازی را با خلق معرفی نمود. بقیه در صفحه ۲

در باره

### صندوق اعتصاب

صفحه ۳

بدعوت سازمان روزندگان آزادی طبقه کارگر، راه کارگر و سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر، روز ۱۱ اردیبهشت هزاران نفر در خیابان ۱۶ آذر خیابانی که بیاید و حمله آفرینی دانشجویان انقلابی خیابان مقاومت نامیده شده است، گرد آمده بودند. ساعت ۱۰ صبح جمعیت با شعار «اتحاد، اتحاد، زحمتکشان اتحاد» آماده حرکت شد و آنگاه پس از خواندن سرود انترناسیونال به طرف بقیه در صفحه ۱۱

دانشگاه: فریاد رسای خلقها

یا «خنجره امن» خامنه ای ها!؟

دو نفر از انقلابیون، رفقا: احمد مودن و مسعود انبالی در اهواز اعدام شدند.

سرکوب خلقهای میهن ما و نابودی آزادی فعالیت های سیاسی نیروهای انقلابی و سوز و گمونیها بخش مهمی از سیاست رژیم کثرت است که این سار به موارد هم سرکوب خلق دلاور کرد و دانشجویان انقلابی سراسر ایران به مرحله احزاب درمی آید. از جناح پس از یکت سرانده های سرکوبگرانه این در دانشگاهها و بوخا به می گوید که در عمل کرده های فاسدی خود علیه طغیان و دانشجویان انقلابی، سرورهای انقلابی را مضر جلوه دهد و سخنرانی «اما» حمله به ایران در سراسر جمعیت اردیبهشت و «اطلاعات» سرکوب کننده مرکزی در مورد حوادث احزاب است که در حقیقت متن این امری باشد. استدلال و تصور بقیه در صفحه ۲

### خبر کوتاه بود: اعدامشان کردند!

صفحه ۱۵

نامه های یک سرباز از جبهه جنگ کردستان

### من شلیک نمی کنم!

«من نمی توانم به روی خلقی که برای هدف مقدس خود، یعنی آزادی میرزم، آتش بکشیم» این جمله قسمتی از دونا مه سربازی است که قبل از حرکت ستون ارتش به داخل شهر سنجند از فرودگاه این شهر برای خانواده خود نوشته است.

این نامه ها گوشه ای از واقعیت تلخی را که در کردستان قهرمان می گذرد و هیئت حاکمه میکوشد در بقیه در صفحه ۹

### پیروزی خلق زیمبابوئه شکوفان و پاینده باد!

صفحه ۱۰

## مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران



# زندانیان سیاسی و توطئه باندهای سپاه

عملکرد هیئت‌ها که تنها به کشت و کشتارها نسی  
که در کردستان، در دانه‌ها و آذربایجان کشتاری از  
آزادی و آزادی‌ها را در بر می‌آورد، ختم نمی‌شود  
بلکه بموازات سرکوب خلقها و ترور انقلابیون،  
زندانیان ساواک ساخته‌اند نیز همچنان از فرزندان  
دلبر خلق برفیما زند، تا زلفان تمام قفسه نیست.

زندانیان سیاسی ایران که هر روز بر مقدارشان  
افزوده می‌شود در غیر انسانی ترین شرایط و تحت  
فشار و شکنجه با سارت کشیده شده‌اند. رژیم حتی در  
مواردی اجازه ملاقات زندانی را که از ابتدائی ترین  
حقوق هر زندانی است از او سلب کرده است. برپا کردن  
مراسم اعدام (نمایشی) بمنظور درهم شکستن روحیه  
مقاومت جوانان زندانی است از جمله شیوه‌های فاشیستی  
است که هم‌اکنون در زندانهای ایران بکار گرفته می‌شود.  
رژیم جمهوری اسلامی اگر برای تسلی خاطر  
کارتر برای جاسوسان آمریکا مثل ملاقات تلویزیونی  
ترتیب می‌دهد و در نطقوبترین شرایط از آنها تیمار  
می‌کند، در عوض انقلابیون ایران را مدتها در سلول -  
های انفرادی بدون حتی یک ربع ساعت هوا خوری  
و بدون حتی یکبار ملاقات خوری و غیر خوری نگه -  
میدارد حتی تا آنکه انقلابیون و کبیل زندانی،  
موکل خود را ملاقات نماید! مخدمان ساعدتی نزدیک  
به یکسال است که بدون هیچگونه اقدام رسمی در  
زندان جمهوری اسلامی بنشینند. محمدتقی شهرام با  
بیش از ده سال فعالیت خفیه‌ای - انقلابی اکنون در همان  
زندان اسیر است که در سال ۵۵ بدست ساواک به  
زنجیر کشیده شده بود. با این تلافی و کشتار که اکنون  
شدیدترین شکنجه‌های روانی قرار گرفته است. رفیق  
محمدزادگان نیز با سابقه بیش از ده سال فعالیت  
خفیه‌ای - انقلابی در سالهای سیاه آریا مهری،  
اکنون در زندان جمهوری اسلامی است. این در واقع  
سیاست هیئت‌هاست که بموازات آزادی‌ها خشن  
سازا و کبیا و دژخیمان رژیم گذشته، انقلابیون و  
کمونیستها را بر زندانها میکشاند. در همین رابطه  
توطئه‌های رنگارنگ باندهای سپاه بر علیه  
انقلابیون و کمونیستها همچنان ادامه دارد و آنها  
می‌کوشند با توطئه‌چینی علیه برخی از زندانیان،  
مقاومین خود را جا به عمل بوشانند.

همانطور که قبلا هم گفته‌ایم، باندهای سپاه حزب  
جمهوری اسلامی و مجاهدین انقلاب اسلامی با دستگیری  
زندانیان با دنده توطئه‌چینی را طرح ریزی و  
نذار می‌کنند. آنها قصد دارند زهر سیله‌ای که  
بتوانند در جهت تحقق نیات پلید خود که همانا سی -  
اعتبار کردن نیروهای انقلابی و سوزید کمونیستها -  
ست، بهره‌گیری کنند.  
زمانی عناصر مرتجعانی چون اصغر صابغان (از  
بقیه در صفحه ۶

حالیکه ما اجازه انتشار نشریه "پیکار" قانونی  
بودن آنرا از خلال چهار ده سال مبارزه سخت و  
خونین بر علیه امپریالیسم و ارتجاع کسب  
کرده‌ایم. این شما نمودید که ما اجازه انتشار  
"پیکار" را اعطا نمودید که اکنون "راده" کرده -  
اید از آن "بخشش" و "مرحمت" درگذرید. بلکه  
این کوشش توأم با رنج و خون ما بود که جنین  
اجازه‌ای و جنین لیاقتی را ما داد تا بتوانیم  
نشریه حکمگور و روشگری را به انقلابیون و توده -  
های تحت تسلط و سوزید ما کارگران مبارز  
ایران تقدیم کنیم. تا از این طریق سزایده -  
های مترقی و متعالی خود را در میان زحمت -  
کشان و نیروهای انقلابی نرسانیم و راه  
انبوه شهیدانمان را ادامه دهیم. بنا بر این  
قانونی بودن یا نبودن "پیکار" بهیچ وجه  
ربطی به راه‌ها و خواست شما ندارد. قانونی  
بودن "پیکار" و نشریاتی همچون "پیکار" یک  
واقعیت است. یک واقعیت تاریخی که در جهت  
تکاملی تاریخ و همسان با منافع و منافع تریس  
توده‌هاست. آری، "پیکار" از نقطه نظر منافع  
زحمتکشان قانونی است. چه شما بخواهید و چه  
نخواهید. و بر همین اساس هم انتشار آن تا  
هنگامیکه ضروری تشخیص داده شود ادامه خواهد  
یافت. همچنانکه تاکنون علیه "غیرقانونی"  
شدنشان ادامه یافته است.

و امروز نیز که در جریان یک حمله سراسری به  
کردستان، به دانه‌ها و به نشریات انقلابی قرار  
داریم و دادستان "انقلاب اسلامی" برای ایجاد رعب و  
وحشت در میان مردم آگاهانه‌ها تهدیدها می‌کند که در  
زمان رژیم سابق نسبت به انقلابیون و هواداران آنها  
معمول بود متوسل شده است. غافل از اینکه، حتی  
در بدترین شرایط یعنی زمان شاه، آگاهانی به بنا به  
جویبارهای حقیقت راه خود را از زمین کوه‌ها و سنگلاخ  
- ها و دره‌های دورسوی دریای توده‌ها می‌کردند و  
به پیش می‌رفتند، و امروز نیز علیه هرگونه فشار  
و سرکوبی چنین خواهند!

قبل از پایان این مقاله، اجازه می‌خواهیم  
دست‌تأمینی رفقای را که با ارسال اخبار و گزارشات  
و اسناد افشاگرانه در غنای نشریه ما را یاری می -  
رسانند بشاریم، همچنین ما صمیمانه دست رفقای  
را که با ارسال نامه‌ها نشان ما را در توضیح اشتباهات  
تعماری می‌رسانند و با پیشنهادها و انتقادات  
سازنده، خود در تکامل مضمون و شکل پیکار را ترمیم -  
گذاشته می‌فشاریم. رفقا! این نامه‌ها برای ما  
اهمیت بسیار دارد. هرچند که ما موفق نشده‌ایم ستونی  
برای پاسخگویی به نامه‌ها می‌رسیده‌ایم که  
آنرا در آینده نزدیک عملی خواهیم کرد، ولی این  
نامه‌ها مشخصا در برابر بردن کیفیت "پیکار" مؤثر  
بوده و ما خواستار ادامه ارسال این نامه‌ها و سر -  
خورد هر چه مسئولان تروفا و لئورد این مورد هستیم.  
با امید به اینکه هر چه بیشتر به وظایف بسیار  
سنگین خود در جنبش انقلابی و کمونیستی بی‌برسم  
و بتوانیم نقش با مهم‌تری در جنبش کمونیستی و  
انقلابی میهن‌مان ایفا کنیم.

"هیئت تحریریه پیکار"

و سررمایی نبود که برخی نشریات حتی در جنبش  
حزب‌ها و رگان را نیمه‌ملی می‌دانستند و از دست  
مرحمتن حزب جمهوری اسلامی به‌وی شکایت می‌کردند.

"پیکار" در افتای ماهیت طبقاتی حزب جمهوری  
اسلامی و نیات واقعی آن نبره سودای "فراگیر شدن"  
در سراسر بیرون، با تیزی و شهادت تمام به پیش  
رشد و پیش می‌برد آگاهی عمومی در این زمینه  
داشته است.

- ما بر آن بودیم که جنبش فرا بنده‌ها و و گبرنده  
کارگران و دهقانان و خلقهای تحت ستم را با درج  
اخبار و مقالات مختلف تصویر کنیم، در اینجا نیز  
بخصوص در زمینه انتشار مرتبط اخبار رومنا مثل جنبش  
کارگری "پیکار" از موفق ترین نشریات جنبش کمو -  
نیستی ایران بوده است.

تجارب و اندوخته‌های رفقای که سالها در کنار  
رزمندگان فلسطینی علیه امپریالیسم و ارتجاع  
پیکار کرده‌اند، با این امکان را می‌داد که در  
سازادن انقلابات منطقه‌سویزه انقلاب فلسطین و  
عمان نقش اساسی بازی کنیم و در این زمینه با درج  
مفالات متعددی در برابر بردن هر چه بیشتر آگاهی و  
دانش خوانندگان خود موثر باشیم.

پیکار در زمینه مبارزه با ایدئولوژیک چهره درون  
جنبش کمونیستی و چه در مبارزه علیه روبریونیم و چه  
در مبارزه علیه لیبرالیسم و فرمید در درون جنبش  
انقلابی سز هر چند در درج لازم، قدمهای قابل  
سوجهی برداشته است.

این بخشی از موفقیت‌های ما در انجام مسئولیت -  
هایی که بدون داشتنیم، بود.

اما، ما انسانهای خود برستی خواهیم بود  
اگر از کمبودها سخن نگوئیم. جنبش توده‌ها و مبارزات  
طبقه کارگر ایران آنچنان عظیم بوده است که گاهی  
که ما در اینجا از موفق بوده‌ایم هیچ وجه قابل مقایسه  
با آن نیست علاوه بر این ما مشخصا در زمینه رهنمود -  
های کارگری، ارزیابی‌های سیاسی از وضعیت طبقه  
کارگر که جزو مهمترین وظایف یک نشریه کمونیستی  
است کمبودهای اساسی داشته‌ایم که تلاش می‌کنیم  
آنرا سرعت جبران نماییم. همچنین در زمینه مقالات  
نروخی سوسیالیستی نیز کمبودهای جدی داشته -  
ایم که در این او را کوشش کرده‌ایم آنرا جبران کنیم.  
ما با این موفقیت‌ها و کاستی‌ها در یکسال گذشته  
سزای کرده‌ایم پیکار را بهیئت تمام می‌رفقای گشته  
سجوی در چاپ و انتشار و بیخ پیکار دست‌دارند،  
نصورت مداوم منتظر سازیم و در این راه نه حملات  
ارتجاع در آستانه سرکوب کردستان و نه توقیف  
به اصطلاح "فاسونی" پیکار هیچکدام نتوانسته است  
ما را از انتشار و منتشر پیکار در درج که همان زمان،  
رمایی که "پیکار" توقیف شد و زمانی که اشکالات  
فراوانی در رابطه با چاپ نشریه موجود است مدونستیم که  
حراسکار را دم‌سخت شود؟ (پیکار شماره ۲۵،  
دوسه سوزید هم‌پهروما). و در پاسخ گفتیم که:  
سزای "پیکار" هرگز در سزای جنبش توقیف  
کردند و سزای آنرا سزای سوزی خوانند. در

# برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق



# نگاهی به جنبش کارگری از سال ۴۸ به بعد (۲)



# جنبش کارگری

## درباره صندوق اعتصاب

از همان فردای قیام، کارگران، دهقانان، خلق، کارمندان، ارتشیان مبارز (و سبزه پرستان انقلابی)، با زاریان، فرهنگیان، دانشجویان و دانش-آموزان و... خواستار اجرای فوری درخواستهای انقلابی خود می بودند. زحمتکشان مسلحانه قیام کرده بودند، شهید داده بودند، بنا براین برای حفظ دستاوردهای انقلاب فعلاً لازم می آید مبرزه میگردند. کارگران و سایر برتوده‌های زحمتکش بخوبی می دانستند که وظیفه، یک دولت انقلابی در درجه اول اجرای درخواستهای فوری زحمتکشان است. بدون اجرای این درخواستها نمی توان قیام را به پایا رسانید و ریشه‌های سرغایه‌داری و استبداد شکنند. دهقانان بحق می خواستند که زمین به خودشان تعلق داشته باشد، کارگران می خواستند که سرمایه‌های متعلق به امپریالیست‌ها و سرمایه‌داران وابسته معادله و ملی شود، نظارت کارگران بر تولید اعمال شود، قراردادهای اسارت آژور امپریالیستی افشا و لغو گردد، ساواکها و سایر نهادهای استبدادگرا که دستگیرهای جاسوسی و اغفال فئادالان بودند، آزادیهای سیاسی برقرار گردد، ارتشیان مبارزمی-خواستند که ارتش خلقی ایجاد گردد و سیستم ارتش شاهنشاهی نابود شود و شوراها در ارتش قدرت را بدست بگیرند، کارگران خواستار اجرای فوری ۴۰ ساعت کار در هفته بودند، میلیونیونها کارگری که خواستار ایجاد کارمندی، دانشجویان و دانش‌آموزان خواستار تغییر نظام آموزشی و آزادی فعالیت‌های سیاسی بودند و غیره، لیکن "دولت موقت جمهوری اسلامی" مردم را به "صبر" دعوت می کرد. زحمتکشان بحق خواستار ادامه انقلاب و بنا بودی واقعی نظام سرمایه‌داری وابسته بودند، ولی دولت موقت، حزب جمهوری اسلامی، حزب توده و سایر فریادکنان به طبقه کارگر و همچنین آیت الله خمینی، مردم را به "صبر" دعوت می کردند! اینها می گفتند " کمی صبر انقلابی! داشته باشید! غرابیهای ۵۰ ساله رژیم سلطنت را نمی توان یک شبه درست کرد، قناعت کنید کمترین بخورید و کمترین بپوشید، قانع باشید، این ضد اسلامی‌ها هستند که این درخواستها را مطرح می کنند اینها آمریکا می هستند، ما که برای شک انقلاب نکرده ایم!..." و با این مغزخواران بود که میخواهند سرکارگران و سایر زحمتکشان را شیره بمانند.

پیش میرفت، صندوقهای اعتصاب نیز شکل نیمه‌علنی می‌گرفتند، بطوریکه رژیم مزدور شاه از وجود آنها اطلاع پیدا کرد (مثلاً کارگران مبارز صنعت نفت صندوقهای نیمه‌علنی تشکیل دادند) هرچه اوضاع انقلابی درون جامعه شدت می‌گرفت و صندوقهای مذکور امکان مناسبتی برای علنی شدن می یافتند، صندوقهای اعتصاب پس از پیروزی قیام تنها در مواقع اعتصاب، بصورت علنی تشکیل میگردید که به علت اعتلای انقلابی موجود در جامعه مورد پیروش قرار نمی گرفتند اما بدلیل ناآگاهی کارگران اغلب این صندوقها در مواقع غیر اعتصاب موجودیت خویش را از دست داده و در بطن آنها صندوقهای دیگری بوجود آمده و در زیر پرده شرح آنها می‌پرداختیم.

الف - صندوق قرض الحسنه

این صندوق بوسیله کارفرمایان و عوامش بوجود می‌آید و موجودی آن با فشار رکت کارفرمایان و کارگران تهیه میگردد، تا هر موقع کارگری به پول احتیاج پیدا کرد از آن برداشت نماید.

اینجا بدینگونه صندوقها بجای صندوق اعتصاب بقیه در صفحه ۶

در کشورهای سرمایه‌داری، کارگران برای مواقع خاص و اضطراری مانند (اعتصاب، تحصن، اشغال کارخانه و...) صندوقی بنا می‌کنند که بصورت تشکیل میدهند تا اگر اعتصاب، تحصن و... بطول انجام یابد کارفرمایان از پرداخت دستمزد کارگران (برای شکست گذاشتن اعتصاب، تحصن و...) آنها خودداری کرد، فشار مالی عده‌ای از کارگران را به دست کشیدن از مبارزه مجبور سازد. در کشورهای که دیکتاتور برقرار است، صندوق اعتصاب نمی تواند علنی تشکیل شود، زیرا مورد پیروش پلیس و عوامل رژیم قرار می‌گیرد، اما در کشورهای که آزادیهای نسبی بورژوازی وجود دارد صندوق اعتصاب میتواند علنی تشکیل گردد و تا حدی سرمایه‌های نیرومند کارگری نیز شامل آنها خواهد بود. تشکیل صندوق اعتصاب در کشورهای تحت سلطه که کمیت بورژوازی وابسته با روینای سیاسی دیکتاتوری همراه است نیز، در صورت وجود اتحادیه‌های نیرومند کارگری (استدیکای واقعی کارگری) بصورت نیمه‌علنی و حتی در مواردی بطور علنی امکان پذیر است.

## کارگر شرکت نفت بشهادت رسید

عزیز محمدی کارگر انقلابی و مبارز شرکت نفت به شهادت رسید. او که همواره از فعالین مبارزان کارگری بود، در یکی از همین اعتصابات کارگری در زمان دولت اژه‌ای از شرکت نفت اخراج شد. عزیز که بعداً رقیماً به خاطر زکات به سرکار در کارخانها و تشکلهای بیکاران به مبارزات خود ادامه می‌داد، سرانجام توسط پاسداران مورد دستگیری قرار گرفت و بوسیله یکی از زمین پاسداران بنا می‌نمودند با قنداق تنگ شدت مضروب شد. این حادثه زمانی رخ داد که عزیز پس از پایان گرفتن تحصن موفقیت آمیز بیکاران در تشکیل ستاد کمک رسانی برای سلبندگان خوزستان نقش فعالی ایفا کرده بود.

شهید عزیز محمدی پس از زودماستری شدن در بیمارستان درگذشت و همچون پدر کارگرش که او نیز پس از کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ توسط عمال کودتا به شهادت رسیده بود، به صف طولانی شهیدای طبقه کارگر و پیوندگان راه سوسیالیسم پیوست. یادش گرامی و راهش پایدار باد!

سندیکاهای سرخ همواره صندوق اعتصاب علنی ویا نیمه‌علنی دارند، البته اگر سندیکاهای کارگری مخفی باشند، نمی‌توانند صندوق خود را علنی کنند. در چنین شرایطی صندوق اعتصاب مخفی ویا نیمه‌مخفی خواهد بود بطوریکه کارگرانی که با پول به دادن کمک مالی به صندوق هستند بتوانند با آن رابطه داشته باشند. (محل این صندوق مخفی خواهد بود).

در سالهای هفتاد و دیکتاتوری که سندیکاهای سرخ علنی وجود نداشت، هسته‌های مخفی سندیکائی تشکیل می‌گردد. (مثلاً در سال ۵۴ در کارخانه چیت سازی تهران چنین هسته‌های مخفی سندیکائی وجود داشت و اعتصاب بزرگی را سازماندهی و رهبری میکرد).

در آن زمان صندوق اعتصاب کاملاً مخفی بود و تنها در زمان اعتصاب نیمه‌علنی می‌گردید و کارگران نمی‌توانستند از آن کمک مالی دریافت دارند، بدون آنکه از محل صندوق با اطلاع باشند. در مواقع غیر اعتصاب تنها کارگران مبارز با صندوق ارتباط داشتند ولی همچنان از محل آن خبر نداشتند. در شرایطی که مبارزات طبقه کارگر و خلقهای قهرمان ایران اوج بیشتری گرفت و اعتلای انقلابی در جامعه پیدا کرد و در جهت موقیعت انقلابی

# پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر



کمونیستهای واضح ترمی شود .

### وضعیت کنونی جنبش کارگری و چشم انداز آن

در رابطه با اعتلای جنبش توده‌ای و از آن جمله جنبش کارگری و به برکت مبارزات فدا میریالیستی فدرما به‌داری و بسته‌توده‌های نیلیونی، مبارزات کارگران روبه‌اوج است. بعد از قیام مهلت غلا قدرت سیاسی تثبیت شده‌ای که بتواند "نظم بورژوازی" را برای استیصال و منظم‌سازی راجه‌آورده، کارگران خود اقدام به بدست گرفتن تولید، اقدام به اخراج ساواکیها و عناصر مزدور و سرمایه، اقدام به اجرای ۴۰ ساعت کار و برپاداشت کسری دستمزد خود... نمودند. حرکات مستقل و به اصطلاح "غیرقانونی" (قانون سرمایه‌داری) کارگران، از جمله مهمترین خصایص مبارزات کارگران در این دوره از جنبش کارگری می‌باشد.

طی بیش از یکسال اخیر، رژیم حاکم، توانسته است ارگانهای دولتی خود را - هرچند با پیدار و متزلزل - بوجود آورد و شکل منظمی بخود دهد. ارتش سپاه پاسداران، "ساوا" و "شهبانوی، ژاندارمری، دادگاههای انقلاب، زندانها و غیره از جمله ارگان - های سرکوب دولتی است که تا حدودی شکل گرفته است. این تحکیم نظام دولتی را در کارخانه‌ها به شکل برگرداندن سرمایه‌داران، تخفیف شوراها، زرد، ایجاد کمیته‌ها در کارخانه‌ها، شلوغ پرونده‌های بزرگ امپریالیستی، گم‌کردن مدیران دولتی در اس‌کار - خانجاتی که مدیران آنها قبلاً فرا گرفته بودند و با کارگران آنها را اخراج نموده بودند و با لاف‌ها بعد از زمانهای جاسوسی در کارخانه‌ها و غیره می‌بینیم. همزمان با تحکیم دولت و ارگانهای آن، جنبش خود - بخودی طبقه کارگری اقدامات آگاهانه ترو متشکل تری روی آورده است. در خواست دولتی کردن کارخانه‌ها افتاء و لغو قراردادها، افزایش لیستی، مداره اموال سرمایه‌داران بزرگ وابسته، اعمال نظارت کارگری بر تولید، گروگان گیری، اجرای نظرات و میتینگ - های کارگری، از جمله درخواستها و اشکال مبارزات کارگران می‌باشد که جنبه آگاهانه ترو متشکل تری آنرا بروشنی می‌رساند.

در رابطه با تعرض غیرفدا انقلاب به دست وردهای انقلابی توده‌ها، و پوشش نداد جنبش کارگری، ویژه‌گیها و خصایص تریزیرا میتوان برای جنبش کارگری ذکر کرد:

الف: جنبش کارگری هرچه بیشتر همگون و متحد می‌شود:

بعد از گذشت ۴۵ سال، کارگران توانسته‌اند برخی تشکیلات واقعی خود را بوجود آورند. هرچند این تشکیلات بعد از قیام هموار راه مورد حمله عوامل مزدور و رژیم قرار گرفته و کارگران مبارز حتی زندانی گشته‌اند، لیکن برپستی از بهران سیاسی - اجتماعی درجا معه، و با هرچه آگاهانه تر شدن کارگران، تشکیلات واقعی کارگران بوجود می‌آید و خواهد آمد.

بعد از قیام توده‌های هرچه وسیعتری از کارگران

آگاه (شورای واقعی کارخانه) را در مقابل ساوا بر کارگران قرار داده، شورا را تبدیل به وسیله‌ای در دست کار - فرما، به وسیله‌ای برای پوشاندن استیصال سرمایه - داران از کارگران تبدیل می‌نماید. بعد از قیام، کارگران به تعداد دویست و شصت و شش در جریانات سیاسی موجود در سطح جنبش وارد می‌شوند. علیرغم نبود حزب طبقه کارگر، کارگران در مبارزات دموکراتیک و فدا میریالیستی جاری درجا معه شرکت می‌کنند. کارگران در قلمنا می‌ها و لیستهای درخواستی خود "ملی" شدن شما شرکتی و وابسته به امپریالیستی را مطرح می‌کردند، افتاء و لغو قراردادها، امپریالیستی، معادله اموال موسسات وابسته، آزادیهای سیاسی و... از خواسته‌های کارگران می‌باشد.

مبارزات صنفی کارگران که در شکل غالبتر آن بصورت اعمال کنترل و نظارت کارگری بر مدیریت و تولید - جریانی داشت، بطور هرچه وسیعتری در ساوا بر زمینه‌ها گسترش یافت. مبارزه برای افزایش دستمزد و ۴۰ ساعت کار در هفته، مبارزه برای اخراج کمیته‌ها از کارخانه، اعتراض به اجرای آتش نامه انضباطی، مبارزه برای اخذ دستمزدهای عقب افتاده برای عدم اخراج کارگران، هر روز وسیعتر و وسیعتر گشته است. هر چند هم اکنون مبارزات صنفی کارگران تا حدی در اثر آگاهی عمومی سیاسی کارگران از وسعت به انداز کافی بر غرور اداریست، لیکن چشم - انداز جنبش کارگری بسی روشن ترمی می‌باشد.

اما دولت سرمایه‌داران، ما همبیکار رننشست. هنوز مدت کوتاهی از تشکیل "دولت موقت" نگذشته بود که سرمایه‌داران بیورش خود را به دستاوردهای انقلاب آغاز کردند. در این حمله سرمایه‌داران سعی می‌کردند به وسیله "مختلّف" از پیشرفت و اجکیبری مبارزات کارگران و سایر توده‌ها جلوگیری نمایند.

کارخانه دولت جمهوری اسلامی در این زمینه به اندازه کافی سیاست داشت. شرفردن جنایات این رژیم در اینجا ممکن نیست. همین کافی است که گفته شود رژیم حاکم چندین بار با برپاداشت ناخشنده‌های برادر کشی صدها نفر از خلق کرد، ترکمن، عرب و بلوچ را بخون کشیده است. تعدادی از کارگران را به شهادت رسانیده است، آزادیهای سیاسی را مورد تعرض سپاه خود قرار داده است و جوغ خفقان و سانسور را تا توانسته برقرار رننموده است. در کارخانه‌ها کنترل و خبرچینی به سبک ساواک برقرار کرده است. کوچکترین تغییر در قانون کار رژیم تا هشتا می ندادند است. سرمایه‌های امپریالیستها و سرمایه - داران وابسته را مصادره نکرده است. قراردادهای اسارت آورا ملغی نکرده است. لیست ساواکیها را اعلام ننموده است. دست زمینداران را با گذاشته است و آنها را ملحق نموده است. سرمایه‌داران فزای را با دخل دعوت نموده، قراردادها را غریبانه و مهمات را از آمریکا بسته است، زندانها و عدا میا را برای انداخته است، اینها همه برای برقراری و باز سازی دوباره سیستم سرمایه‌داری وابسته صورت گرفته و کماکان صورت می‌گیرد. ما هیت این رژیم روز بروز برای توده‌های وسیعتری از مردم روشن ترمیشود و حقا نیت نیروهای سیاسی مبارزو بویژه

داشته باشد که اساس این سیستم در گون شده باشد و حکومت کارگران و دهقانان - برهبری کارگران - سرسکار آمده باشد. بنا بر این دهقانان خود اقدام به بیرون کردن فئودالها و زمینداران بزرگ وابسته نمودند. زمینها بنا بر ما معادله کردند و در صورت مقاومت، آنها را معادله و عدا نمودند. (در کردستان، ترکمن صحرا، شیراز، شمال و...) ارتشبان مبارز خود اقدام به تشکیل شوراها و قیام نمودند، دانشجویان و دانش آموزان هم همینطور، در ادارات دولتی نیز کارمندان شوراها خود را تشکیل دادند. در اینجا ما به مبارزات کارگران می‌پردازیم:

### مبارزات کارگران بعد از قیام

مبارزات فدا میریالیستی کارگران بعد از قیام کماکان ادامه می‌یابد. کارگران با کامیابی استوار خود همچنان به پیش می‌روند. در دوره انقلاب هر یک از طبقات با سرمایه‌های شخصی خود با به میدان مبارزه می‌گذارد. لیکن کارگران که فاقد حزب و انضباط طبقه‌ای خود بودند، اینجا با آنجا بطور مستقل اقدام به اجرای "برنامه" خود نمودند. کارگران در راه اجرای خواسته‌های خود حمله‌ها آفریدند. در بسیاری از کارخانه‌ها، کارگران مزدوران رژیم پیشین را معادله و اخراج کردند. ساواکیها، مدیران مزدور و مهندسی و سرپرستهای وابسته را دستگیر کرده معادله نمودند و اخراج کردند. در بسیاری از کارخانه‌ها کارگران خود سندیگای قلابی را متحل اعلام کرده، شورا یا سندیگای واقعی کارخانه را ایجاد کردند. کارگران خود کارگران مبارزی را که در رژیم فدا خلقی شاه اخراج شده بودند، بزرگ بازگرداندند. کارگران در تعدادی از کارخانه‌ها خود ۴۰ ساعت کار در هفته را به اجرا آوردند. خود کسری پرداخت دستمزد کارگران را از صندوق شرکت برداشت نمودند. در بعضی از کارخانه‌ها کارگران، کارخانه را "ملی" اعلام کرده و حکم به افتاء و لغو قراردادها امپریالیستی نمودند. کارگران خود تعدادی از کارخانه‌ها را که بسته شده بود، گشودند و مشغول بکار شدند. به این ترتیب بود که کارگران توانستند در بسیاری از کارخانه‌ها، با افتاء از پیشین، نظارت و کنترل مستقل کارگری خود را بر تولید، مدیریت و فروش اعمال کنند.

در تعدادی از کارخانه‌ها، کارگران خود مدیریت را بدست گرفتند، (متوساک، جین مدل... لیکن از آنجایی که قدرت سیاسی (دولت) در دست کارگران نبود، این اقدامات علیرغم جنبه انقلابی آن، نمی‌توانست مدت درازی دوام میاورد. بورژوازی حاکم که میرفت تمام امکانات اقتصادی و سیاسی را در دست خود قبضه کند. بهیچوجه از زه نمی‌داده موسسات تولیدی بدست خود کارگران ادا ره شود، لیکن شما زمانیکه رژیم سیاسی حاکم نتوانسته است انحصار و قدرت کافی بافته و تثبیت شود، کارگران در اینجا با آنجا، ادا ره موسسه را بدست خوا هند گرفتند. در سایر کارخانه‌ها (بجز معدودی) کارگران آگاهانه از شرکت در مدیریت احتراز کرده‌اند، چه این عمل کارگران

## ۴۰ ساعت کار در هفته برای کارگران



دسته‌دها زکا رخا نه‌ها اخراج نمیشوند. این کارکنان که برچم مبارزه را بدستی می‌گیرند. هم‌اکنون مبارزات کارگران سده‌محکم در مقابل سرما به‌داری وابسته و تراجع است. سرکوب کارگران توسط رژیم خودموبداین واقعیت می‌باشد.

**د: مبارزات کارگران سراسری می‌شود:**  
با توجه به ایجا دکا تونهای وسیعتر کارگری و اتحادها می‌گما بین سندیکاها و شوراهای جنبین کارخانه بوجود آمده است، چشم‌انداز سراسری شدن مبارزات کارگران وجود دارد. در این زمینه جد و جهدهای خودبخودی‌ای نیز از طرف خودکارگران صورت گرفته و می‌گیرد.

مجموعه این شرایط، چشم‌انداز بناک و امیدوار کننده‌ای را در مقابل کمونیستهای میهن ما می‌گستراند. قوت جنبش کارگری ما در وسعت توده‌ای آن، در هر چه وسیع‌تر شدن آن و تعمیق آن از نظر آگاهی سیاسی - دموکراتیک می‌باشد و ضعف آن در تشکیلاتی م. ل. ه. در عدم تکلیف فوی رهبران و عقب ماندگی مغرط آنان است.

گسترده‌گی جنبش کارگری، تعمیق آن و هم‌زمان جذب بهترین عناصر آن به‌سازمانها و گروهها و محافل م. ل. ا. ا. مه‌بحران و نتوانی رژیم زحل و پیا سگوشی به‌این بحران، از جمله مناسبات ترین شرایطی است که ایجا د حزب طبقه‌کارگران را تسهیل می‌نماید. مرزبندی - های جدید در جنبش کمونیستی میهن، اعتدالی جریان توده‌ای - انتقالی و هر چه مشخص‌تر شدن مضمون حرکت جریان‌ها متزلزل و نا پیکر، و سمت‌گیری رویز کمونیستی آنها، از جمله خطوطی است که سیر حزب طبقه‌کارگران را هر چه روشن‌تر می‌نماید.

هر چه گسترده‌تر مبارزات کارگران پیش‌بینی ایجا د حزب طبقه‌کارگر برقرار باشد جمهوری دموکراتیک خلق

بوضوح آشکار است. هر چند اعتدالی جنبش توده‌ای و کارگری از یک طرف و مابیت غاشنا نه‌سازشکارانه این گونه به اصطلاح تشکیلات کارگری از طرف دیگر، و مهم‌تر از همه آگاهی روزافزون کارگران، اجازه نمی‌دهد که کارگران زیاد حول این به اصطلاح تشکیلات جمع شوند، لیکن از جمله وظایف کارگران آگاهی و نیروهای انقلابی است که با افشای این تشکیلات و نقاشی غاشنا نه‌آنان از نفوذ ایدئولوژی این به اصطلاح حزب در درون طبقه‌کارگر جلوگیری بعمل آورند.

در همین حال لازم به توضیح است که جنبش طبقه کارگر از سوی سایر نیروهای متزلزل و بینابینی (چه با ایدئولوژی مارکسیستی و چه با ایدئولوژی مذهبی) که نقش "به‌غانه‌کشاندن" کارگران را بعهده گرفته و بویژه از زبانی شدن طبقه‌کارگر جلوگیری بعمل می‌آورند، در معرض تهدید جدی قرار دارد. این نیروها که از سیاست، همان درک سیاست‌بور - ژواشی و خرده‌بورژواژی را دارند، بویژه در این شرایط بحرانی و حساسی که می‌تواند طلبکاران هر چه فعلی و وسیع‌تر در جنبش سیاسی جاری در سطح جامعه شرکت کنند، نقش با‌زدا رنده‌ای را ایفا می‌کنند. عملکردهای این نیروها حتی در سکردن هم‌ان مبارزات صنفی کارگران قابل رویت است. اینها از "حادثه" شدن مبارزه و وحشت‌دارند و نظرات خیابانی، تصرف موقت کارخانه، نظارت بر تولید و... را عملیاتی‌اتنا ریشتی و "چپ" قلندار می‌کنند و کارگران را به همان مبارزه صنفی و آرامی که مورد درخواست بورژوازی است، فراموش می‌خوانند. وظیفه تمام نیروهای اصیل م. ل. ا. است که در افشای اینگونه عملکردها مجدانه کوشش نمایند.

**چ: مبارزات کارگران خصلت تعرضی دارد:**  
تداوم بحران سیاسی - اقتصادی خاکم بر جامعه

فقرو محرومیت نیش از جدا کارگران و انفعال و نتوانی رژیم زحل بحران و پیا سگوشی به‌نیازهای برحق کارگران، به جنبش طبقه‌کارگر خصلت هر چه بیشتر تعرضی می‌بخشد. علاوه بر آن با بحال کردن دستاوردهای انقلاب از طرف رژیم خاکم، حس مقاومت و انتقاد مجوسی را در کارگران بیدار می‌کند. با اعمال نظارت بر تولید، کارگران به مقدس‌ترین کاشنا ت بورژوازی - آزادی در استعمار - تعرض می‌نمایند. با گرگان گیری سرما به‌داری و عوامل مزدور رژیم خاکم، کارگران به "حق‌سرما به‌داری" دولت‌ها می‌آنها در استعمار کارگران مستقیم‌تر تعرض می‌نمایند. با نظرات خیابانی و میتینگ‌های کارگری، کارگران خاکمیت جبروزور را مورد سؤال قرار می‌دهند و درخواستهای سیاسی خود را مطرح می‌نمایند.

هم‌زمان با تعرض وسیع و وسیع‌تر رژیم به دستاوردهای انقلاب، مبارزات کارگران هر چه بیشتر خصلت تعرضی می‌یابند. کارگران می‌روند تا فعال‌تر و پراشتری تر از هر طبقه دیگری در مبارزات ضد امپریالیستی - فدا رتجا می‌جاری در میهن‌سازان شرکت نمایند و برچم این مبارزه را از جنگ دست‌ان لرزان خرده‌بورژوازی بیرون آورند. این کارکنان که اعداد می‌شوند (در درود)، این کارگران نندک‌به‌هش ابدونالیان دراز زندان محکوم می‌شوند (درود) این کارگران نندک‌در خیا بنا به با گلوله بسته می‌شوند (ما هشتر، اندیمتک و...)، این کارگران نندک‌زندانیان را بر می‌کنند (جنوب، تهران، تبریز، شمال، و...) و این کارگران نندک‌به‌واسطه مبارزات خود

به مبارزات صنفی و تشکیلات صنفی - سیاسی روی آورده‌اند. بر اساس تشکیلات سندیکاها و شوراهای کار - خانه‌ها امکان بوجود آمدن تشکیلات وسیع‌تر کارگران فراهم آمده است (در تهران، گیلان، جنوب اراک و...). همراه با متحد شدن مبارزات کارگران، ایجا د زمینه‌های طرح شعارهای واحد در یک زمان ما بین تعداد زیادی از کارخانه‌ها امکان پذیر گشته است. جدوجهدهای خودبخودی کارگران در زمینه‌ها رتسباط بین خود در جریان اعتصابات بزرگ برای بویژه (قبل از می ۵۹) و سپس کوششهای آگاهانه تر آنان برای شرکت در تدوین قانون کار آینده، از جمله مناسباتی است که مبارزات کارگران را هر چه بیشتر همگون‌تر خواهد کرد.

**پ: جنبش کارگری هر چه بیشتر سیاسی می‌شود:**  
بر بستری از مبارزات فدا میریالیستی و دمو - کراتیک توده‌های میلیونی، کارگران ما به‌آگاه‌سی سیاسی - دموکراتیک دست می‌یابند. طرح درخواستهای دولتی کردن کارخانه‌ها، معادله سرما به‌های امپریالیستی و سرما به‌داری بزرگ وابسته، افشا و لغو قراردادهای امپریالیستی از جمله شعارهای است که از طرف کارگران مطرح می‌شود و خود نشانگر آگاهی سیاسی آنان می‌باشد. شرکت در تدوین قانون کار، اخراج کمیته‌ها از کارخانه‌ها، اخراج عناصر وابسته و سایر واکی از کارخانه‌ها و... از جمله دیگرس شعارهای سیاسی است که وسیع‌تر از طرف کارگران مطرح شده و با توسط خود آنان عمل گشته است.

میتینگها و نظرات خیابانی کارگری، از اشکال سیاسی مبارزات کارگران می‌باشد که بویژه از اینک تا بحال وسیع‌تر از طرف کارگران بیکار مورد استفاده قرار گرفته، می‌رود تا بصورت یک شیوه عمومی برای مبارکارگران درآید.

کارگران بتدریج درمی‌یابند که در مبارزه سیاسی تنها توده، بلکه سایر توده‌های زمینکش نیز با آنها دارای منافع مشترک می‌باشند. از این جهت است که میتینگها و نظرات خیابانی کارگری شکل می‌گیرند تا این حمایت را جاع عمل بنهوشند. بررسی مبارزات چندین کارخانه نشان می‌دهد که یکی از شیوه‌های عالیتر مبارزه کارگران که بلا - فاصله میتواند در خدمت جنبش طبقه‌کارگر بگردد و بر تجربه خود کارگران استوار می‌باشد. همین نظرات خیابانی و میتینگهای کارگری است. مبارزات کارگران چندین کارخانه در تهران، قزوین، جنوب و گیلان این نتیجه‌گیری را در عمل اثبات نموده است.

تداوم بحران و وجود برخی آزادیهای دموکراتیک که هنوز از تعرض رژیم در مان مانده است، بویژه فعالیت وسیع م. ل. ه. و پیکش میلیونها تراکت، اعلامیه و نشریه توضیحی افشاگرانه در میان کارگران از جمله شرایطی است که به هر چه سیاسی تر شدن جنبش طبقه‌کارگر می‌کند. این نشریات که بصورت "اعلان جنگ واقعی به سرما به‌داری" در آمده‌اند، نقش مهمی در برپا شدن مبارزات کارگران بعهده دارند. خطری که در این زمینه جنبش طبقه‌کارگر را با مشکلات و خطرات جدی روبرو می‌سازد، نقش حزب خاش توده‌می‌باشد. این حزب بکمک برخی عناصر کارگشته در امور صنفی (کارگشته در زمینه مبارزه صنفی به‌شیوه بوروکراتیک و آریستوکراتیک) و با نفوذ خود در تشکیلات وسیع‌تر کارگری، همان نقشی را بعهده می‌گیرد که طی سالهای ۲۲ - ۲۵ انجام داد. عملکردهای غاشنا نه‌این حزب در آن تشکیلاتی که نفوذ دارد،

## این دروغها را چه کسی باور میکند

سرمداران رژیم جمهوری اسلامی جهت پسرده - پوشی جنایت وحشیانه خود در دادگاهها و جندی تابور با دروغهای مفتضحی مانند "دانشجویان تیربار داشتند" و کاشنی که شهید شده‌اند از مردم بوده‌اند و بدست "دانشجویان کشته شده‌اند" و... می‌خواهست داغ شنگی را که به بیثباتی شان نقش بسته بود پاک کنند. ولی توده‌های مردم که در جریان امر بودند و می‌دانستند که اولاد دانشجویان تیربار را که سهل است اسلحه‌سبک هم همراه آنها داشتند و تا شهادت می‌رسیدند غلام سعیدی و فرهنگ انصاری و فرزانه رضوان و جبرائیل هاشمی و حمید درخشان و... از فعالین دفاعی تریاسی دانشجویان بوده‌اند، شروع به اعتراض کردند.

عبدالرحمن جمهوری اسلامی برای خاموش کردن اعتراضات، روز پنجشنبه ۵۹/۲/۲۴ مردم زندانیان سالن شهرداری را به رگبار مسلسل بست و بیش از ۳ نفر از زندانیان در بند را با گلوله‌های آمریکا کشتی بشهادت رساند و بعد هم دعا کرد که تقصیر ما نباشد! زندانیان می‌خواستند نفی رکنند! و دروغها - شی از این قبیل... ولی نتوانستند صدای خود را بلند کنند. خا موش تشدید کننده اعتراضات اوج هر چه سنسری گرفت بطوریکه بی‌مدار این مجری سیاست خا م و شیرینی، با جملده‌ها و آژامده و فورا رفت!

(نقل از تراکت حوزه‌های آزادی‌ها زمان - ۱۳۹/۲/۵)



بقیه از صفحه ۳

در باره ...

یکی از شیوه‌های فریب کارفرماست، زیرا بدین وسیله: ۱ - بین کارفرما و کارکنان سازش و تفاهت هم‌بوجود می‌آید (همکاران و همکارفرما ما هیات نیستیم) معنی پول با این صندوق می‌پردازند (۲ - کارکنان در شرایط تنگدستی و تحت فشار قرار گرفتن دست بسوی این صندوق دراز میکنند و ضرورت مبارزه علیه سرمایه را بغیرا موثقی می‌سپارند.

۳ - هزینه‌هایی را که در مواقع اضطراری مانند (بیماری، تصادف، حوادث ناگوار و...) باید کارفرما و یا بهترین‌گوشیم دولت سرمایه‌داری (بشکل بیمه و...) بپردازد به در آمدنا چیسز کارکنان تحمیل کرده و بدین ترتیب استثمار را شدت می‌بخشد.

۴ - بجای آنکه کارکنان به مبارزه برخیزند، طبقاتی بی‌برده و با آن به مبارزه برخیزند، بشردوستی از نوع بورژواشی را (دست مستندان را گرفتن، به ضعف کمک رساندن!) تبلیغ کرده و بر شیوه‌های اصلی دردمرپیوش می‌گذارد.

در برابر این حیل‌ها کارفرما ما باید در حالیکه بورژواشی و سازشکارانه بودن ما هیات این نوع صندوقها را برای کارکنان افشا می‌کنیم، آنها را بجای تفاهت با بورژوازی به مبارزه علیه آن دعوت نمائیم.

در این رابطه شما رصیح عبارت است از: تشکیل صندوقی که تمام موجودی آنرا کارفرما بپردازد و در مواقع ضروری به کارکنان وام‌بدون بهره پرداخت کرده و سایر بخش‌های اضطراری آنها را جبران نماید. ب - صندوق تفاهتی

این نوع صندوقها را خود کارکنان بطور علنی تشکیل می‌دهند تا در مواقع ضروری و نیاز فوری بتوانند آن را برداشت نمایند. این صندوقها اگرچه مانند صندوقهای اعتبار نیستند تا اندازه‌ای اشکال صندوق قرض الحسنه را دارند ولی در روند خود تحت شرایط خاصی میتوان نندبه صندوق اعتبار تبدیل کردند، این شرایط خاصی عبارتند از:

- ۱ - مسئولیت ورهبری آن بمعده عناصر مترقی باشد.
- ۲ - جوکارخانه نسبتا مسا عد باشد.
- در صورت وجود شرایط مذکور این صندوقها در هنگام اعتبار میتواند نندبه صندوق اعتبار تبدیل کردند. در غیر این صورت آنها بجا به صندوق نوع الف بدل میشوند.
- ج - صندوق اعتبار

این صندوق با هیاری و همگوشی خود کارکنان و بمنظور کمک مالی دادن به کارکنان در جریان اعتبار، ضمن گروه‌نگیری و... برای ادامه مبارزه بوجود می‌آید.

در شرایط کنونی صندوق مذکور نمی‌تواند بصورت علنی تشکیل شود، زیرا امکان حمله رژیم به آن وجود دارد. (مگر در کارخانه‌ها شیکه سندیکای مترقی دارند) بنا بر این بطور عام میتوان گفت:

- ۱ - در این شرایط اعتبار با بدین شکل نیمه علنی تشکیل شود.
- ۲ - از طریق کارکنان مبارز، آگاه و غیرفانلانز که حاضر به همکاری با آن هستند در صندوق را نامس نمود. (البته محل صندوق باید مخفی باشد).

۳ - ایجاد صندوق اعتبار در این شرایط روحیه کارکنان مبارز و پیشرو را بالا برده و همبستگی آنها مستحکمتر می‌گردد.

۴ - برداشت از صندوق اعتبار با بدینطور عمده در مواقع اعتبار، ضمن اشغال کارکنان و موازین به نمونه‌های مذکور باشد (در حالت خاص و بطور استثنا) به کارکنانی که خسارتی را متحمل شده و بشدت در مضیقه هستند و در ضمن برای گرفتن خسارت و ادره از سرمایه‌دار مبارزه کرده‌اند، ولی موفق نشده‌اند میتوان پول پرداخت کرد).

۵ - صندوق اعتبار با بدین ایده‌آسی را که (سرمایه‌دار یا بدخواه‌های وارد به کارکنان را جبران نماید) بمیان کارکنان برده و جلورش اندیشه‌های انسان دوستی از نوع بورژواشی و یا منحرف شدن مبارزه کارکنان علیه سرمایه‌داران را بگیرد.

### چگونگی تشکیل صندوق اعتبار

۱ - شرایطی که میتوان صندوق را بصورت علنی ایجاد کرد، در این شرایط (هنگام اعتلا جنبش توده‌ای، در شرایطی که سندیکاهای اتحادیه‌های قوی کارگری وجود دارد... بهترین راه ایجاد صندوق اعتبار، از طریق خودسندیکا و یا اتحادیه می‌باشد، زیرا که سندیکا (شورا) و یا اتحادیه توده‌های وسیع کارکنان را در بر می‌گیرد.

اگر سندیکا (شورا) و یا اتحادیه زرد بود، باید تعدادی از کارکنان مبارز را بشکل خود و بطور علنی کارکنان را به تشکیل صندوق اعتبار دعوت نمایند و مقدمات آنرا فراهم آورند. نکته مهم و قابل تذکره در مورد صندوق اعتبار در شرایط مذکور اینست که با بدین موجودی آن و نیز میزان کمکی که هر کارکنان در اختیار صندوق قرار می‌دهد، هر ۱۵ روز یکبار روبا ماها نه به اطلاع کارکنان رسانده شود.

۲ - شرایطی که نمیتوان صندوق را بصورت علنی تشکیل داد ولی میتوان از امکانات علنی استفاده کرد.

در این حالت محل صندوق و نیز مشخصات اداره کنندگان آن باید مخفی باشد، اما اسمی کارکنانی را که به صندوق کمک می‌کنند و موجودی آن را می‌بستون در اختیار کارکنان قرار داد. (این کار برای تبلیغ صندوق ضروری است)

در این رابطه میتوان با کمک بعضی از کارکنان مبارز ضرورت صندوق و هیات را با آنرا در جلسات عمومی کارکنان تبلیغ کرد.

۳ - شرایطی که صندوق اعتبار با بدین صورت مخفی ایجاد شود، در چنین شرایطی معمولا تعدادی از کارکنان مبارز پیشقدم شده و اقدام به تشکیل صندوق اعتبار می‌نمایند، در این حالت محل صندوق، مشخصات مسئولین و کارکنانی که به آن کمک و یاری میکنند، همگی باید مخفی باشد. در این شرایط میتوان به کارکنانی که به صندوق کمک می‌کنند، کاغذها را با مهر صندوق و بیفتون "رسید" داد.

موجودی صندوق همرا به یکبار بصورت مخفی (با نوشتن به درود بیوا رویا بخش تراکت و...) با بدین اطلاع کارکنان برسد و هنگام اعتبار برداشت پول به کارکنان تا خدا مکان با بدین صورت مخفی انجام گیرد. ایجاد صندوق اعتبار در شرایط سخت پلیسی، حفظ و جلوگیری از لو رفتن آن و اعلام موجودی آن همرا به یکبار روحیه مبارزاتی کارکنان را بالا برده و به آنها در عمل نشان میدهد که مبارزه جریبا دارد و عده‌ای از رفقای آنها هستند که در شرایطی در راه منافع کارکنان و زحمتکاران مبارزه میکنند.

در این زمینه عنا مروهسته‌های کمونیستی باید در تشکیل و حفظ صندوق اعتبار با فعالانه شرکت نمایند و با طرح و آموزش اصول آن به کارکنان و ارائه راهنمودهای مناسب، حفظ و ادامه کار آن را عملی‌تر سازند.

### توضیح و تصحیح

متاسفانه در اخبار و روزگزارش‌های مربوط به وقایع دانشگاه‌های شیراز و اهواز زنگه در پیکار ۵۲ چاپ شده است در چند مورد اشتباهاتی ناشی از بی‌دقتی در ارسال گزارش رخ داده که بدین وسیله ضمن پوزش از خوانندگان تصحیح می‌شود:

- ۱ - در گزارش مربوط به دانشگاه شیراز تعداد کشته‌ها سه نفر ذکر شده که درست نیست.
- ۲ - در گزارش مربوط به وقایع دانشگاه جندی شاپور اهواز، خبری فبیتی بر مودر حکم اعدام و تون از کارکنان صنعت نفت (ابدی و مکتونی) و دستگیری محمدجواد خاتمی درج شده که غیر واقعی است.
- اصل خبر بدین صورت بوده که ابدی و مکتونی دستگیر شده و سپس در ارتقا زکارکنان کارخانه اهواز ۴ و اداره مهندسی آزاد شده اند و محمدجواد خاتمی اساسا دستگیر نشده است.

**هموطنان مبارز! رفقای گرامی!**

**کمکهای مالی خود را از هر طریق که**

**میتوانید به دست ما برسانید**

بقیه از صفحه ۲ زندانیان ...

مشولان سپاه و عا ملین کشتار خلق ترکمن) و محمد غفری (استاندار غوزستان) به شکنجه‌های روانی این زندانیان پرداختند و زمانی دیگر خود فروختگانی نظیر احمد رضا کریمی و اصغر میرزا جعفر علای که پشت به خلق کرده و در سالهای قبل خود را در اختیار او گذاشته بودند، ما مورمی شوند تا به وسیله‌ای که شده مقاومت زندانیان را درهم شکستند و بخیال خود سلاخی برای حمله به نیروهای انقلابی و چپ‌ها بماند.

در روزهای اخیر با تدبیر و حزب جمهوری اسلامی و مجاهدین انقلاب اسلامی دست اندر کار رتوطشسه دیگری هستند: نزدیک به یکماه قبل در روزنامه کهان خبری درج شده بود که یکی از آنکه کمالی (کمانگر) شکنجه‌گر معروف ساواک دستگیر شده است در صورتیکه وی مدتها قبل از آن یعنی در آذرماه گذشته با ساارت در آمده بود! این شکنجه‌گر مزدور طی این مدت، توسط عزت‌شاهی تحت آموزش قرار گرفته تا بر نامه‌های راديو تلویزیونی همچون تهرانی جلاد برای حمله به نیروهای انقلابی اجرا نماید.

سازمان ما ضمن افشای توطئه این باندهای سپاه، از همه نیروهای انقلابی میخواهد که با کار آگاه‌ها که از خود توطئه‌های این خائنین را به پیش نقش بر آب ساخته‌اند و این دلقکان سیاسی را به پیش پیش رسوا سازند.



# چشم دهقانی



## پیروزی دهقانان روستای «حاجی آباد» بر ژاندارمها و زمینداران بزرگ

روستای «حاجی آباد» با ۱۲۰ خانوار در ۳ کیلومتری لاهیجان قرار دارد. اخیراً اهالی این روستا تصمیم گرفتند که حدود ۳۸ هکتار زمین باغ چاشنی، متعلق به نیک سادات از زمینداران بزرگ لاهیجان را بین خود تقسیم کنند. اما با مانعیت پادشاهان مجبور شدند با نوشتن نامه به سپاهیان پادشاهان، ننداری، اداره کشاورزی، خواستار تقسیم زمین شوند. یکماه بعد از طرف مقامات دولتی گفته شد که زمین را تقسیم کنند. به تاریخ ۵۹/۱/۲۸ دهقانان بوسیله شورای ده زمین را بین خود تقسیم کردند که کلاً به هرتنفر ۲۰۰ متر رسید و هر کس در اطراف زمین خود حدود مرز درست کرد. سه روز بعد در تاریخ ۵۹/۱/۳۱ یک گردان ژاندارمها مسلح ژ - ۳، کلت و به همراه نیک سادات از لاهیجان به ده «حاجی آباد» آمدند.

ژاندارمها ضمن خراب کردن حدود مرز زمینها گفتند که ما از طرف رئیس جمهور مدرک داریم و رئیس جمهور زیر این مدرک را امضاء کرده است که «تماما ما غنای کس تقسیم شده است دوباره به ما حیا نش (یعنی زمینداران) با بدبرگردانده شود» دهقانان شجاعانه مقاومت کرده و گفتند: «ما با باغ بیرون نمی رویم، بیایید ما را بکشید، ما چیزی را از دست نمی دهیم» و بدنبال آن اهالی دهه و طرف جاده را با آتش زدن چوب ولانستیک بند آوردند. سپس در حالیکه شاعر می دادند: «مرگ برفشودال، مرگ برنیک سادات بسوی وی حمله ور شدند، اما ژاندارمها وی را محاصره کرده، او را از دست دهقانان نجات دادند و چون با مقاومت قاطعانه دهقانان روبرو شده بودند ده «حاجی آباد» را ترک کردند. ■

## مبارزه شورای دهقانان "گوگه چقای بیامه پیوه ینج"

قریه "گوگه چقای بیامه پیوه ینج" از توابع کرند غرب دهی است دارای ۴۰ خانوار که ۲۲ خانوار آن با اجرای طرح امپریالیستی "انقلاب سفید" زمین - هایشان را از دست دادند. مالک این ده "موسی خان تسموری" نام دارد که با پشتیبانی مزدوران رژیم متفورشاه، دهقانان را از زمینهای خود راند و آنها را استعمار می کرد. دهقانان این روستا از همان سال ۴۵ به ادارات رژیم شکایت کردند که طبیعتاً در ماهیت رژیم خاکن شاه نبود که به خواسته های بحق آنان پاسخ مثبت داده شود و جز نسیان و شکنجه و آزار چیزی دیگری نصب دهقانان زحمتکش نکرد.

را در پشتیبانی از موسی خان تسموری و امثال او می بیند و کوچکترین ترتیب اثری به تقاضای مکرر روستاییان و شورای دهقانان نداد. اهالی ده دیدند که رژیم جمهوری اسلامی حامی زمینداران بزرگ می باشد. در تاریخ ۵۹/۱/۷ با یک اقدام انقلابی زمینهای مالک را محاصره کرده، نصف آن را بزرگش بردند. بدنبال این محاصره انقلابی زمینها توسط دهقانان، سرپرست به اصطلاح دادگاه انقلاب اسلامی قمر شیرین و پیل ذهاب "عبدالنبی نمازی" (که طی چند ماهه پس از قیام با رها به ضرب و جرح، دستگیری و شکنجه مبارزین منطقه بویژه دانش آموزان، معلمان و زحمتکشان اقدام کرده است) طی اطلاعیه ای در تاریخ ۵۹/۱/۱۶ به اهالی قمر شیرین، پیل ذهاب، اسلامآباد کردگرد غرب، گیلانغرب، شهر نفت و سومار شدیداً اخطار کرده که کسانی که اقدام به محاصره زمینهای مالکین بنمایند، تحت تعقیب قرار می گیرند. زمینها به مالکین قبل از انقلاب یعنی زمینداران بزرگ همدست رژیم شاهن با زگردانده خواهد شد. آری رژیمی که در حرف و شعار خود را طرفدار زحمتکشان و بیامه چاقی مستضعفان "فلمدا دمیمنما بدرر پانزده ماه پس از قیام نه تنها قدمی در تغییر زندگی دهقانان زحمتکش ما برندا شصت و یکده همدستی با زمینداران غاصب از هیچ تجا و زوشتی علییه زحمتکشان روستایی دریغ نکرده است. ■

بعد از قیام خونین بهمن ۵۷، دهقانان بی زمین که خود در مبارزه جهت سرنگونی رژیم شرکت کرده بودند امیدوار بودند که رژیم جمهوری اسلامی دست مالک بناصر را از زمینهای آنها و اجادای آنان کوتاه نماید. ولی ماهها انتظار آنان شمری نداشت. دهقانان این قریه برای مشکل کردن خود و سازماندهی مبارزات خویش در تاریخ ۵۸ / ۱۰ / ۱۱ شورای دهقانی خود را تشکیل دادند. آنها برای تحقق خواستههای نامهای متعددی به آیت الله خمینی، "شورای انقلاب"، "دادگاه انقلاب اسلامی کرمانشاه"، "دادگاه انقلاب سربل ذهاب"، وزیر کشاورزی، استاندار کرمانشاه و فرماندار اسلامآباد غرب نوشتند. ولی رژیم جمهوری اسلامی که منافعی

بقیه از صفحه ۱۶ پاسخی به ۰۰۰

می نماید که هرکدام مبدلیلی برای سرکوب خلقهای خود می خواهند از اختلافات فی ما بین بهره بگیرند و با بزرگ کردن آنها به منافع خود برسد و این با توطئه مشترک دوزیم و دزدانها فرق دارد، یعنی همان چیزی که مقاله کیهان نخواسته است آنرا بفهمد و بیان کند.

۲ - در رابطه با مقاله ای تحت عنوان "پیام خدا انقلاب به خدا انقلاب" که به نسبت داده اید، باید بگوئیم که اساس مقاله ای تحت این عنوان در بیکار وجود ندارد و این بی شک از ابعاد ذهن نویسنده با نویسندگان مقاله است که نوشته ای با عنوان فوق الذکر خلق شده است.

۳ - ما و برخی دیگر از نیروهای انقلابی را تلویحاً چنین تشریف کرده اید: "... غلغهای هزی که پس از انقلاب تولید شده اند و مثل قارچ از دوند می کنند" که با بدبختی بر ما نهم و بسیار از نیرو هائی که امروز مورد بدترین آزارها و تازها جوان - مردانه ترین حملات از طرف تاز به قدرت رسیده ها و اعوان و انصارشان قرار می گیریم خیلی پیش از قیام بوده ای شکوه مند بهمن ما هم با زور خود را در میان خون و آتش با رژیم و بسته به امپریالیستمان جلا دادیم و زخمی زده ایم، زما نیکه ما به رژیم متفورشاه و حامیان امپریالیستش اعلان جنگ دادیم و در سخت ترین شرایط دست از نبرد نکشیدیم. غالب سردمداران و قدرتمندان کنونی که امروز "انقلابی" شده اند، با درمنازل خود لطمه و بیعتیه مشغول بودند و با فرنگ به "تحقیق" و "تلفیح" سرگرم بودند و حتی از شرکت در مبارزات فدا میزبان لیستی نیروهای خارج از کشور نیز خودداری می کردند. آری، تا ربحه فعالیت های انقلابی ما را خون شهدای ما شاه است و نیروهای آگاه مردم ما نیز از آن گواهند و بسیاری نخواهد شد که تبلیغات عوام فریبانه احزاب و گروههای خلق الساعه بعد از انقلاب که اتفاقاً (اتفاقاً) جعلی آنها همه اصطلاح اسلامی و مدافع اسلامند بر اکثریت مردم ما روشن خواهد شد.

۴ - شما، ما و دیگر نیروهای راکه ما زنها و اعمال خدمت می رانی محابا و فارغ از سیاست بازی - ها و حسا بگری های مدروز افشا می کنیم، با حزب توده زمان دکتور محمد مصدق مقایسه کرده اید و رژیم حاکم را با حکومت آلنده در شیلی و مصدق در ایران قیاس کرده اید و ادوا عمل ما را در مقابل رژیم جمهوری اسلامی "مدیرا برخاشنا تیر" از اعمال و عملکرد حزب توده زمان مصدق ارزیابی کرده اید. ما برای اینکه شما را از "فراموشی" در رژیم و بهتر بگوئیم، موضع خود را توضیح دهیم و نشان دهیم که مقایسه بین حکومت های مصدق و آلنده با حکومت جمهوری اسلامی قیاس مع الفارق است، باید درمی بینیم که هیچگاه در زمان مصدق و آلنده قلب و مغز کارگران حق طلب که در زمان تقاضای کار برای ادا معزندی متفق با رتبان سود هدف رگبار پادشاهان حکومت قرار نگرفت. هرگز مصدق و آلنده، شما پندگنان خلقیای کنوران را در محسن نا جوانمردانه ترور نکردند. ابداسا بدهای

بقیه در صفحه ۱۲

# کار برای کارگران، زمین برای دهقانان







بقیه از صفحه ۱

نامه‌های...

بوقهای تبلیغاتی اش آرا کا ملا وارونه معرفی کند، نشان می دهد:

خدمت پدرو ما درگرا م

در این لحظه که این نامه را می نویسم کمترین ۲۴ ساعت مانده به حرکت ستون به داخل شهرستان ج مردم همه مسلح اندوهمه با ایمانی را سخ قصدا رند جلوی ما را بگیرند. پدرو ما دم امیدوارم حرف من را بفهمید. تنها مسریا زان فهمیده اند که فردا جمعه سیاه است ما نه برای مردم بلکه برای ما. در مقابل ما مردم مسلح وجود دارند. مزد می دهی زجان و مال خود گذشته اند و در راهی که دارند خرابه هرگونه فداکاری هستند. من نمیتوانم بروی خلقی که برای هدف مقدس خود یعنی آزادی می رزمند، آتش بگشایم در ثانی کی از فردا خبردار؟

اما این را میدانم که من شلیک نمی کنم چون به آنها ایمان دارم اما این را شما بدانید. فردا روز نشانی است، فردا است که معلوم میشود قدرت مردم از همه چیز بالاتر است. ما در فردا گاه استند مستقر شده- ایستوتنی هستیم تا ندان ملخ.

پدرو ما درگرا می در این دوروزه که در اینجا هستیم به راه دیوگوش می دادم و آن وقت بود که حقیقتی تلخ بر من روشن شد. چرا که هر چه در راه دیو می گفت درست ۱۸۰ درجه مخالف آن چیزی بود که در اینجا بود میگفت گروههای سیاسی ما اینجا می رسند تمام کردستان تند.

اگر بتوانم خود را تسلیم خواهم کرد و در جبهه آنها خواهم جنگید ولی این را مطمئنم که بروی آنها تیراندازی نمی کنم.

از طرف من بچه ها را بتبویسد، به دوستا تم سلام برسانید. امیدوارم زمین را می با شید و ناراحتی از من نداشته باشید و فکر نکنید گول خوردم، بلکه بیس راهی است که خودم انتخاب کرده ام. با میدیدار.

در ضمن تمام راهی و رودی بسته شده است. زندگی چیز بسیار است اگر در راه هدفی باشد.

مردم مبارز ایران!

کردستان را دریابید!

بیش از دو هفته است که کردستان همچنان در خاک و خون مفاومت میکند. طی این مدت هیئت حاکمه به بهانه مبارزه با رژیم بعث عراق که اصولا بهیچوجه در مرزهای کردستان حضور نظامی ندارد، خلق کرد را با بمبارانهای هوایی، با توپ و خمپاره کشتار می کند. در این میان شهرهای سنندج و سقز در طلقه محاصره ارتش و پاسداران، روزهای بسیار دشواری را زیر میگذرانند. اکثر قریب به اتفاق خانه های مسکونی شهر سنندج توسط گلوله پاسداران ارتش و پاسداران ویران شده و با حداقل آسیب دیده است. بیمارستانهای شهر نیز از این حملات مصون نمانده اند. بسیاری از زخمی شدگان در اثر نبود پزشک و دارو در آستانه مرگ قرار گرفته اند. بعلاوه شدت حملات زمینی هوایی، شمارش تعدا دکشته شدگان و حتی امکان کفن و دفن شهدا میسر نیست. در چنین شرایطی رژیم هنوز متکبر میماند و شهرها و کشتا وسیع خلق کرد بوده و میکوشد تا آنها کشته بتوانند مردم را از کشتار خلق کرد بی اطلاع نگه دارد لکن در برخی موارد چنان جنایات هولناکی صورت میگیرد که دیگر نمیتوان آنرا پنهان داشت. از جمله اعتراف صریح استناد آذربایجان غربی که از طرفداران پروپا قرص سرکوب خلق کرد است، دروغی را زبانی دستگامها که مرا نقش بر آب میکند. این اعتراف که در اینجا آنرا ملاحظه میکنید، نشان میدهد که نه تنها شهرها بلکه جاده ها و بنیای نهایی کردستان نیز از تعرض و حمله ارتش درامان نمانده است.

استاندار آذربایجان غربی:

بر اثر اصابت گلوله های هلیکوپتر

۱۱ مسافر کشته شدند

در این واقعه، ۲۳ نفر زخمی شد  
ارومیه - خبرنگار اطلاعات  
چشید جنگو استاندار از ظهر دوشنبه در جاده آذربایجان غربی املاکرد ۱ بوکان - سز اتفاق افتاده بر اثر اصابت گلوله های هلیکوپتر به دو مینیوس جنگو انزلی در پی مسافری در ۱۵ کیلومتری انتنانات و درگیری های بوکان - سز منجر به کشته شدن ۱۱ نفر از مردم سز به بوکان شدن ۱۱ نفر و زخمی شدن ۲۲ نفر گردید. رفته اند که در میان آن ها وی انزود: برای سرمت نهادی زخمی نیز دیده می- بخشین به مداوی زخمی شود که دشواری های برای ها اقدامات لازم بعمل آمده مردم این شهر تولید کرده است.

(اطلاعات، ۱۵ اردیبهشت ۱۳۵۹)

شلیک هلی کوبترهای نظامی به ما شینهای مسافری نما یشگرا بما دوسبع و هولناک جنا با سی است که رژیم در کردستان بر راه انداخته است، اکنون مردم ایران بخوسی می توانند در این سنده کشتار و سرکوب در دستگاها و توطئه سکوت رسانه های گروهی بویژه را دیو و تلویزیون در مورد آنچه که در کردستان میگردد، همه و همه بخاطر آنست که سرکوب بیرحمانه خلق کرد در شرایط عدم آگاهی توده ها از واقعیت جنایاتی که در آنجا رخ میدهد، صورت گیرد.

هموطن مبارز کردستان عزیز و خلق کرد سکوت ما را در برابر زخمهای عمیقی که بر سینه کش می نشیند نخواهد بخشید. بر ماست که بیاری خلق دلاور کرد سرخیزیم و مانع از آن شویم که کردستان قهرمان بیش از این بخاک و خون کشیده شود.

فردا دستندج - ساعت ۶ بعد از ظهر  
کنار هلیکوپتر - ۵۹/۱/۲۹

پدرو ما درمن آدرس مشخص ندارم چونکه وضع ما روشن نیست و معلوم نیست کجا با شیم چونکه تا حالا هر جا رفتیم دوسه روز بیشتر نماندیم. هر جا می مانیم در زیر جاده های انفرادی هستیم و از نظروضع ما نشند دوران جنگ است. غذا نیست، آب نیست، هر قلمه آب برای ۲۴ ساعت و هر عدد نان برای ۲۴ ساعت. شنها با تجهیزات میخوابیم ولی با این همه هیچ نا راحتی ندارم بجز دوری از شما و ویرا دراهم، تا مه ای که در کنار این نامه است دیروز نوشتم و وقت نداشتم کامل بنویسم چون هوا پتیا میخوابد و پرواز کند اس نامه را نیز با عجله می نویسم ارتباط ما فقط از راه هوا است.

پدرو ما در هر چیزی که در راه استندج در راه دیو می شنود دروغ محض است. همین الان را نشنیده هلیکوپتر خبر پیدا که تمام مردم شهر روی کف خبا با نها نشسته اند و نمی گذارند ما از شهر بگذریم. این که ما برای تعویض سرپا زان نامه می رویم دروغ است چون که هستون ارتشی بجز ما کردستان را از هر طرف محاصره کرده و نقشه شومی در سر دارد که میخوابد بوسیله ما سرپا زان پیدا ده شود، ولی به حال امیدوارم هیچ حادثه ای اتفاق نیفتد. دیروز که مردم شهر به کنار رفرو گاه آمده بودند من توانستم به پشت سیم خاردار بروم و با یکی صحبت کنم. او میگفت اگر شما به ما حمله نکنید ما هم با شما کاری نداریم. او به من گفت شما برادرهای ما هستید ما فقط حقمان را می خواهیم مگر حق خواهی در دین اسلام حرام است. به جهت امروزه و آن فلاخی بنا اینجا آمده بود و گفت هر کس نمی، خواهی بدزدی یا بدبیرون او را به تهران می بریم و هیچ کاری با او نداریم. انتظار نداشتم که کسی بیرون بنیاید ما خیلی ها آمدند. وقت ندا ر جمله را تمام کنیم چونکه هلی کوبتر روشن شده و آماده پرواز است.

خدا حافظ، به همه سلام برسانید  
فرزند شما ...



آری روزهای پر شکوه قیام بهمن را در خاطره ها زنده می کند! اما قیام بهمن نیست، عکس است از مفاومت یکپارچه و سراسری روزهای اخیر مردم سنندج در مقابل تیرش و ساس پاسداران! آنگاه اراده این مردم را میتوان با توپ و تانک آمریکا شلی در هم شکست؟



## اخبار جنبش جهانی کارگران و زحمتکشان

### آمریکا

انحازات امپریالیستی آمریکا نه تنها خلفای جهان را غارت می کنند، بلکه زحمتکشان آمریکا شی را نیز شدیداً استثمار می نمایند. در این ارتباط اخیراً در آمریکا یک رشته اعتصابات گسترده شروع شده که هنوز ادامه دارد. زحمتکشان حمل و نقل نیویورک دست به اعتصاب زدند و صدها هزار تن از همکارانشان نیز در شهرهای دیگر به آنها پیوستند. ۷۰ هزار زحمتکش نفت در کلرادو (یکی از ایالات آمریکا) و ۱۰۰ هزار کارگر صنایع شیمیایی دست به اعتصاب زدند. این اعتصابات برای افزایش دستمزدها و بهبود شرایط کار است.

### فرانسه

پایتخت فرانسه را اعتصاب زحمتکشان خدمات عمومی دربرگرفته است. کارگران خواهان افزایش دستمزد می باشند و به سختی شرایط زندگی خود اعتراض دارند. زحمتکشان مترویی پاریس که غالباً کارگران مهاجر عرب می باشند نیز کارگران را راه آهن فرانسه دست به اعتصاب زدند. علاوه بر زحمتکشان اعتصابی "فردگاها و ولی" خواهان تجدید قرارداد های کار، افزایش دستمزد و بهبود شرایط کار میباشند.

### انگلستان

درسال جاری مسیحی جنبش اعتراضی در انگلستان نیز اوج گرفته است و تقریباً تمامی بخشهای اقتصاد سرما به اداری انگلستان را فرا گرفته است. بطور نمونه می توان به اعتصاب طولانی ۱۰۰ هزار فلزکار شرکت "بریتیش استیل کورپوریشن" (BRITISH STEEL CORPORATION) اشاره نمود. این اعتصابات نتیجه افتصاد بحران ایمن کشوری می باشد که فشار سنگین خود را در درجه اول به طبقه کارگر تحمیل می کند.

### پرتغال

در پرتغال فلزکاران پرتغالی اخیراً دست به اعتصابی زده اند که ۲۰۰ هزار تن را در بر می گیرد. آنها همچنین در شهرهای مختلف کشور میتینگهای اعتراضی به سیاست غذاگاری کارفرمایان سرمایه دار برگزار می کنند. زحمتکشان موسسه نفتی "پتروگرا" نیز دست به اعتصاب گسترده ای زده اند.

### ژاپن

زحمتکشان صنایع گرافیک و کاغذ سازی ژاپن به همراه کارگران دموکراتیک "هیتاری" و "توشی" ونیز با رانندگان دست از کار کشیده و در حال حاضر در اعتصاب بسر می برند. بهمناسبت اول ماه مه، روز جهانی کارگر ۶۰ میلیون تن از کارگران ژاپنی نظاهرات گسترده ای برآه انداختند. و این درحالی بود که بورژوازی امپریالیستی ژاپن هرگونه نظاهرات را در این روز ممنوع اعلام کرده است.

بفیدر صفحه ۱۱



## اخبار و مسائل جهانی

### پیروزی خلق زیمبابوه شکوفان و پاینده باد!

سختی از آنجا که از طریق کثا ورزی می گذرد. تقسیم امکانات کثا ورزی چنان ظالمانه است که در سال ۱۹۷۶ مزارع متعلق به سفیدپوستان ۱/۵ تولید کثا ورزی زیمبابوه را تولید کردند، درحالیکه تنها ۱/۵ تولید کثا ورزی از زمینهای سیاه پوستان حاصل شد.

سازمان پیروزی ۵۷ سال سلطه استعماری و حکومت جا برانه سفیدپوستان نژادپرست، خلق مبارز زیمبابوه (رویدزای سابق) استقلال خود را جشن گرفت. هجدهم آوریل (۲۹ فروردین امسال) با اعلام استقلال پنجاه و یکمین کشور آفریقا و آخرین

- تحقق این مرحله از پیروزی خلق انقلابی زیمبابوه، پیروزی خلق ما و همه خلقهای ستمدیده است.
- کشورهای خط مقدم جبهه، موزامبیک و زامبیا چه نقشی در مبارزات خلق زیمبابوه داشتند؟
- مشکلات حکومت زیمبابوه مستقل کدامند؟



درکنار بهره کشی استعماری در زمینه کثا ورزی با بدبختی و مرگ و میر زمینی (منجمله طلا، کروم، اورانیوم و پلاتین) و منابع طبیعی این کشور هم چنین گسترش محدود موسسات و مناسبات سرما به اداری در آن اشاره کرد.

دراستعمار خلق زیمبابوه غیر از امپریالیستی انگلیسی، آمریکا و اروپا شیها و نیز رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی شرکت داشته اند. علاوه بر اینها وجود رودزیا در شبکه نظامی امپریالیسم دارای اهمیت استراتژیک بوده است.

اوچگیری مبارزات استقلال طلبانه و راهی - بخش در آفریقا درسال های ۵۰ و ۶۰ سیاستمداران مکار انگلیسی زابحیلای تازه داشت و بر اساس آن با ناسمیت نامیده اقلیت سفیدپوستان رودزیا درسال ۱۹۶۵ ظاهراً بطوریکطرفه (بدون موافقت انگلیس!) اعلام استقلال کرد. انگلستان و دیگر امپریالیستهای اروپایی آمریکا شی هر چند ظاهراً این اقدام را سمیت را محکوم می کردند و آنرا مشمول "تحریم اقتصاد" می نمودند ولی عملاً با مستقیماً و بطور غیرمستقیم از طریق آفریقای جنوبی به رودزیا کمک می رسانند.

مبارزات استقلال طلبانه مردم زیمبابوه سرانجام به مبارزات ناسمیت یافته و انقلابی مسلحانه طبقه در صفحه ۱۱

مستعمره انگلیس، خلقهای ستمدیده آفریقا، سنگری دیگر را فتح کردند و خلق زیمبابوه و حقوق ملی او که به رسمیت شناخته نمی شد از نو تولد یافت.

تحقق این مرحله از پیروزی برای خلق انقلابی زیمبابوه نه تنها برای خلقهای آفریقا بلکه کلیه خلقهای ستمدیده جهان که علیه امپریالیسم تبعیض نژادی و ارتجاع درانگال مختلفش میجنگند خبری است سمرت بخش که همگی خود را در آن پیروزی سهم می دانند. ما کمونیستها بر اساس اصل لنینیستی حمایت از حقوق خلقهای تحت ستم، از مبارزات خلق زیمبابوه برای به زانو درآوردن نژادپرستان و کسب استقلال ونیز ادامه مبارزات این خلق در راه تحکیم استقلال ملی و نامین حاکمیت کارگران و زحمتکشان پشتیبانی کرده و می کنیم و تحقق این مرحله از پیروزی را با خلق قهرمان زیمبابوه و انقلابیون آن سرزمین شادباش می گوئیم.

اشاراتی که در زیر می آید گوشه ای است تا خواننده را به وضع این کشور تازه تولد یافته و مبارزات دلبران خلق زیمبابوه و شرایطی که بر آن حاکم است تا حدی آشنا سازد:

زیمبابوه کشوری است در نیمه جنوبی آفریقا که با کشورهای موزامبیک، زامبیا، ونیز آفریقای جنوبی مرز مشترک دارد. جمعیت آن حدود ۷ میلیون است که دویست هزار نفر سفیدپوست که از اروپا بدانجا مهاجرت کرده و از دهها سال پیش به استعمار ایمن منطقه پرداخته اند، حکومت را در قبضه خود داشته اند. درسال ۱۹۲۳ در چهار رجب اتحادیه آفریقای جنوبی که متشکل از مستعمرات انگلیس بود، حکومت خودمختار سفیدپوستان در سرزمین زیمبابوه بوجود آمد و آنرا اسمی از استعمارگران انگلیسی (اسسل رودس)، رودزیا نامیدند. در آن زمان تعداد سفیدپوستان ۲۳ هزار نفر بود که مالک ۱/۳ زمین های رزمی آنها را در رنج حاصلخیز آن بودند در صورتیکه ۱/۳ زمین ها به در مالک بلکه در اختیار آفریقاییهای رودزیا بود که تعداد آن ۸۶۲ هزار نفر می رسید. رسداری سرک استعمار و حسانه ای را به دهقانان و کارگران کشاورزی آفریقایی حمل کرده و تقریباً ۵ میلیون از ۷ میلیون مردم آن کشور را بدکسان



بقیه از صفحه ۱۰ پیروزی ۰۰۰

### سخنی با رفقای هوادار

رفقا!

هما نظور که ملاحظه می کنید بدلیل اشکالاتی که در امر چاپ پیش آمده مجبور شده ایم که قطع نشریه را کوچک کنیم و در نتیجه حجم مطالب نشریه نیز کمتر شده است، بوجدین ترتیب در این شماره ما نتوانستیم از کلیه گزارشات و اخباری که به دست ما رسیده - سود استفاده نمائیم. در شماره های بعدگوش خواهم کرد که با رفع اشکال پیش آمده گمان کنم تا می آید و گزارشات قابل انتشار را در نشریه درج نمائیم. مطلب دیگری که در همین رابطه قابل طرح است این است که رفقای که امکانات چاپ و انتشار را در اختیار شما دارید برخی از مطالب آنرا در این بخش - در تکثیر و انتشار برخی مقالات پیش از این اقدام نمائید چرا که ما زمان با اشکالات فعلی قادریم - انتشار را اعلامیه ها و... در سطح کنونی نیست.

پیروزی باشد

بقیه از صفحه ۱۰ اخبار ۰۰۰

### ایرلند شمالی

میهن پرستان ایرلند شمالی بر شیروهای اشغالگر انگلیسی ضرباتی بی دردی وارد میسازند. از آغاز سال جاری نسبی آنها به دهها عملیات دست زده اند که در طی آن شمار زیادی از سربازان و مأموران انگلیسی کشته شده و برتاسیات دشمن خسارتی وارد آمده است. تیروهای اشغالگر انگلیسی سالیان طولانی است که نمی گزینند زرات آزادبخش را سرکوب کنند و تسلط خود را بر ایرلند شمالی تحکیم بخشند. ولی با وجود کشتار و ترور و دستگیری ها و زندانی کردن ها نتوانسته اند استادگی میهن - پرستان را درهم شکنند. از سوی دیگر نلندن به بازی - های عوام فریبانه ای نیز در جهت موجه جلوه دادن تسلط خود توسل جست که آخرین آن کوشش برای تحمیل قانون به اصطلاح خودمختاری می باشد. در شرایطی که نلندن در پی آنست تا ضمیا زده خلق ایرلند شمالی را از زوری برنا مدهای عوام فریبانه به گجراه بکشاند و راه اصلی به اصطلاح مسالمت آمیز بسپارد. بر خورد قاطع و سرسختانه خلق ایرلند شمالی پاسخ دندان شکنی بود برای اشغالگران. این واکنش نشان داد که در برابر اشغالگران تنها با پدزبان اسلحه بیکار رود. خلق ایرلند شمالی که خودشان نتیجه مبارزه و برخورد قاطع خود می باشد این مبارزه را با زهم گسترده تر با خسته و برهنه های خودخواه افزود تا قربانی نیرنگهای امپریالیسم انگلیس نشود.

### برزیل

اعتصاب کارگران صنایع فلز "ساووپولو" از یکماه پیش همچنان ادامه دارد. دیکتاتور نظامی برزیل پس از اعلام نگیرد - قانونی بودن اعتصاب فلزکاران "ساووپولو" علیه جنبش برحق کارگران دست به اقدامات سرکوبگرانه جدیدی زده است. حکومت فاشیستی برزیل بطور خشونت باری در چندین سندیکا ی فلزکاران دخالت نموده و با برکناری رهبرانی که توسط کارگزاران انتخاب شده بودند، عوامل رژیم نظامی را بجای آنها گمارده است. این یکی از اقدامات ضدکارگری دیکتاتور نظامی است که هدفش وادار ساختن بقسمه در صفحه ۱۴

هم اکنون دولت تازه استقلال زیمبابوئه با مشکلات بسیاری روبروست.

۲۷ هزار نفر طی ۲ سال جنگهای آزادیبخش کشته شده اند. کشور نیمه مغروبه است. آفریقای جنوبی که همبمان نژادپرست خودیان اسامیت را اذیت داده و خطر بهاء و نزدیک تر شده است با پادخرین تلاشهای وحشیانه اش را برای شکست زیمبابوئه مستقل بکاربرد. در همین حال زیمبابوئه همبمن آفریقای جنوبی ۳۵۰ میلیون دلار بدهکار است. زیمبابوئه ۸۵۰ هزار نفر آوار و آواره بوسی خانمان اندوه ۱۷۰ هزار نفر نیز در کشورهای همسایه (موزامبیک و مایا) پناهنده هستند. نیمی از مدارس بسته است و ۴۲۰ هزار نفر از کودکان امکان راه یافتن به مدرسه را ندارند.

حل مشکل زمین و املاحات ارضی یکی از عمده ترین مشکلات زیمبابوئه مستقل است. علاوه بر اینها با زسازی مناطق روستایی، از بین بردن اختلاف درآمد ها که در حال حاضر نسبت ۱ به ۱۰ بین سیاهان و سفیدپوستان را دارد و با لافزه برچیدن نهادهای و مناسبات تبعیض نژادی را با بدحساب آورد.

نخست وزیر زیمبابوئه مستقل، که روی کار آمدنش نه تنها خوش آیند انگلیس ها و آمریکا می باشد بلکه خوش آیند شوروی هم نبود (۳)، در آغاز مصادری "نرمش" های زیادی را نسبت به آنچه انتظار میرفت در زمینه های مختلف از خود نشان داد. است. "نرمش" - هائی که اگر در چارچوب تاکتیکی بیاید، قابل توجه است. بشرطی که جهت گیری حکومت، برسدن خوددور و بط استعما ری گذشته باشد. امری که جدا از ما هیبت طبقاتی رژیم نیا از دموکراتیسم آنها نیست. اطلاعات ما در خلال این فرآیند اندازیم که خلاف این مسئله را ثابت کند. هر چند بهیچوجه نمی توان از زرات روی هائی که چنانچه در درون زانو و زاپوا از خود نشان می دهند، نگران نبود.

"نرمش" های موزامبیک در مطبوعات جهانی شگفتی زبانی برانگیخته و برپایه مواضع طبقاتی مفسرین، در معرض نقد و تفسیرهای مختلف و متناقض قرار گرفته است. آنچه مسلم است اینکه رژیمهای وارث خرابهای گذشته کسب از یکدوره از مبارزات انقلابی بوده، با بهر طریق، بر سر کار می آید، ممکن است که "نرمش" های تاکتیکی در زمینه های گوناگون از خود نشان دهند و نتوانی بطور مطلق و دگم از آنها انتظار داشت که راه و اصول به مقصود راه مستقیم و بدون انعطاف تاکتیکی (آنطور که برخی تصور می کنند) طی نمایند، چه بسا آنها مجبور به پیروی از هائی باشند خطوط منحنی یا منکسر باشند. آنچه تعیین کننده است چنانچه است که آنها دارند: آیا در راه قطع وابستگی به امپریالیسم است یا تحکیم آن؟ آیا در راه تحکیم حاکمیت کارگران و زحمتکشان است یا در راه هر چه دورتر کردن آنان از ادخال در تعیین سرنوشت خود؟ و بر همین اساس هم هست که در قبال چنین رژیمهایی - توان موقع حمایت با طرد داشت.

امیدواریم با کسب اطلاعات بیشتری نسبت به اوضاع زیمبابوئه، در آینده مقالات تحلیلی مشخصتری نسبت به این کشور داشته باشیم.

(۳) - نمودار این ناخوشایندی شوروی را در نکات زیر می توان دید: در جشن استقلال، هیئت کمابیتی از شوروی شرکت داشت. همچنین از نمایندگان آلمان شرقی، مجارستان و چکسلواکی هم دعوت نشده بود.

انجام مید. دنیروی انقلابی یکی با نام اختصاری زانوبرهبری رابرت موزا به ودیگری زانوبرهبری جوشو انکوموس از چندسال مبارزه مسلحانه علیه رژیم بان اسمیت "جبهه میهن پرستان زیمبابوئه" را تشکیل دادند و تا زمان اعلام استقلال زیمبابوئه مشترکاً این جبهه را رهبری نمودند. این دنیرو هر دو مارکسیست می باشند. انکوموس است نزدیکی به شوروی را دنبال می کرد در صورتیکه موزا به هر چند بطور آشکار موضع فاشیستی نداشت اما سیاست مستغلی را پیروی می کرد. سیاست جبهه میهن پرستان در مجموع این بود که از سیاست شوروی نیز در راه "حمایت از مبارزات زیمبابوئه استفاده کند.

امپریالیستهای انگلیسی و آمریکا می حیلند دیگری را نیز طی سالهای اخیر بکار بردند. آنها انتقال مسالمت آمیز قدرت را پیش کشیدند و دنیروی سازگاری را که یک کشیش بنا مسقف موزوروا در رأس آن قرار داشت تقویت نمودند و او را او اخر سال ۷۹ پس از یک انتخابات با فرمایشی یک دولت به اصطلاح اشتلاقی به ریاست خود و با مشارکت یکی از همکاران سابق موزا به که "سیتوله" نام داشت و خیانت کرده بود تشکیل داد. این حیل امپریالیستی رسواتر از آن بوده که بتواتر بدجلوی رشد مبارزات مردم را بگیرد. همزمان با این توطئه ها فاشیسمی، نظامی و اقتصادی بر کشورهای همسایه رودزیا که از انقلاب - بیون حمایت می کردند و جبهه میهن پرستان در مناطق مرزی آنها با یکدیگر نظامی با رتیزی داشت، افزایش یافت. رودزیا نسبت به کشورهای زامبیا، موزامبیک و مایا (موزامبیک و مایا) همسایه داشت. هواپیماهای رودزیا و آفریقای جنوبی دائماً برون این کشورهای رخنه کرده و روستاها و پایگاههای انقلابیون زیمبابوئه را بمباران میکردند. کشورهای خط مقدم جبهه (موزامبیک و مایا) از لحاظ اقتصادی نیز دشواریهای زیادی را تحمل می نمودند. این کشورهای تازه استقلال که می بایست سالها دوران نقاهت ناشی از سلطه استعماری گذشته را بگذرانند، از لحاظ نامین راه - های ترانزیتی برای صدور و ورود کالاها ی خود به راه و خطوط ترانزیتی رودزیا منگی هستند. رودزیا با راهها این راهها را بمباران کرد و فشارهای اقتصادی کمزگنی بر این کشورها وارد آورد تا آنها دست از حمایت از انقلابیون زیمبابوئه بردارند. این فشارها هر چند جمعین کننده نبود، اما زمینه استنادسیاستی را که بدان اشاره خواهیم کرد و از سوی جبهه میهن پرستان پذیرفته شد، فراهم نمود.

جبهه میهن پرستان از سوی این کشورها که دیگر با این حمایت رانی نتوانستند تحمل کنند تشویق و با مجبور به پذیرفتن مذاکره با حکومت رودزیا و رسیدن به سازشی در چارچوب طرح پیشنهادی انگلیس شد. کنفرانس در زمستان سال گذشته در لندن تشکیل شد که در آن بریتانیا (بمنظور آن کشوری که "فانونا" ماحات مستغمر رودزیا است) و بان اسمیت و موزوروا و سایر جبهه میهن پرستان شرکت نمودند. طبق طرح توافق شده، انتخاباتی با بیدمورت می گرفتند و قدرت سیاسی از طریق مسالمت آمیز به سپاه پرستان منتقل می شد.

این طرح بسیار دشوار و پرت موزا به رهبران نوکه از انکوموسها رده بی ای در جبهه میهن پرستان بنحو چشمگیری رای بیشتر آورد بود، نخست وزیر زیمبابوئه گردید و پس از یکسال استقلال زیمبابوئه اعلام نمود.



نخستین از صفحه ۱

گزارشی از ...

میدان انقلاب برآه افتاد. در پینا پیش صف راه -  
بیمایان سنا ر سرخی از گلهای آتشین به نشانه  
زنده بودن و ادامه داشتن یادورا شهیدای آرمسان  
طبقه کارگر و پیروزی حتمی سوسا لیزم جلوه خاصی  
داشت. راه پینا بان در شاعرهای خودخواستهای بحق  
کارگران، ضرورت وحدت و مبارزه طبقه کارگر و زحمت-  
کشان را فریاد می زدند:  
"حس، اعتماد، سلاح کارگر علیه سرمایه دار"  
"۱۱ اردیبهشت، روز نبرد کارگر، علیه سرمایه دار"  
در بسیاری نقاط مردم شعارها را تکرار کرده و  
با به صف نظر کنندگان می پیوستند. کوشش عناصر  
فدا انقلاب واجبریده برای بسیج مردم علیه راه -  
بیمایان، عقیم ما ندو بجز عده کمی از عناصر آگاه  
به افرا دفا لانز ملحق نشدند. چرا که مردم خود شعارها و  
فریادها را بر علیه آمریکا و سرمایه داری وابسته  
می شنیدند و ما هیت مها جمین برایشان روشن میشد.  
شعارها را از اقامیات و از میا رزه نموده ها سخن می -  
گفتند: "فتر ستم، استعمار، درقا نون اساسی،  
همچنان با برجاست" - "مرگ بر آمریکا، مرگ بر  
ارتجاع" - "خلق ما میزومد، آمریکا می لرزد" - و  
"فلسطین، فلسطین، متحد خلق ما".

شعارها و فریادها فدا انقلاب را افشا میکرد و صف  
انقلاب را مشخص می نمود:

"کارگر، زحمتکش، دشمن امپریالیسم" - سرمایه دار  
مرتجع، نوکرا امپریالیسم" - "سازش با آمریکا،  
بهرنحو و بهر شکل افشا با بدگردد" - "بنی مسد  
بنی مدر، هدیه توبه مردم، کشتار در کردستان، سرکوب  
در دانشگاه" - "زحمتکشان دنیا، متحد خلق ما علیه  
امپریالیسم" - "کارگر، کارگر، سرمایه آرزوز ازل  
نشود، سرمایه دار حق تورا ربوده" و "آوای هزاران  
نفر را هر شای را نشان میداد:  
"امپریالیسم خونخوار، این دشمن تنبهار، نابود  
با بدگردد" - "چا رنجبران وحدت و تشکیلات است"،  
"کارگر پیروز است، سرمایه دار نابود است".

آری مردم خود این ها را می شنیدند و حرکات  
بیمارگونه عناصر فدا لانز نمی توانست آنان را بر سر  
علیه این فریادها بسیج کند. چندان زحمتکش  
می گفتند: خوب، کمونیست باشند چه عیبی دارد،  
بسی صدرا گرا است میگوید این حرفها را که میگویند  
عمل کند. اینها که حرفهای بدی نیست ...  
و راه پینا شای ادمه داشت. جمعیت با شمار،  
بلاکار و سرود روز ۱۱ اردیبهشت، اول ماه مه، روز  
جهانی کارگران را گرامی داشت و با خواندن قطعه نامه  
- ای به راه پینا شای ختمه داد. در این قطعه ما ضمن  
انتار به تار یخچال این روز بزرگ و تجلیل از طبقه  
کارگر جهانی و بویژه نقش طبقه کارگران در  
اعطاب دمکراتیک ایران از جمله آمده است:  
"ما اینک پس از پانزده رقیما پیروز منسد  
حلقهای ایران، هنوز کارگران ما در مان شرایط  
اسا رسا روی سکت آفرین گذشتن زندگی میکنند، هنوز  
نظام سرمایه داری وابسته به امپریالیسم که اساس  
ظلم و ستم و استعمار سرمایه داری است با برجاست و  
سورموا سس آرمای مزی کار، سا به شوم خود را بر سر  
کار جا به های میهن ما گسترده است. بیگاری و گران  
سدا دینکس دور بدگی کارگران و زحمتکشان میهن ما  
را، مکلنر مسارد، کودگان خردسال را در کارخانه ها  
و کارخانه های اسما ر مکلنر دوران کارگر اسما

بقیه از صفحه ۱

دانشگاه ...

انقلاب و زهبری حزب جمهوری اسلامی بخوبی می -  
دانند که تنها جو بیورش به دانشگا ه برای این سازما -  
ندهی شده بود که در ضمن رژیم بتواند بورش و حشیا نه  
ارتش و پسا داران سرمایه به به کردستان قهرمان را  
بطور کامل به مرحله اجرا در آورده و دانشگا ه این دژ  
مستحکم آزادی را برای همیشه بچنگ آورد، آنها  
کاملا واقفند که این پاسداران بودند که بسوی  
صف مقابله و دانشجویان تیراندازی کردند. اینهمه  
شهید و زخمی گواهی این امر است. چرا که اگر از درون  
دانشگاه و از طرف دانشجویان اقدام به تیراندازی  
شده بودقا عدتا با پسا دارا چماق بدستی تیر می -  
خورد که تا بحال حتی یک نمونه دیده نشده است.  
کمیته مرکزی "اطلاعیه" سر تا پا دروغ و جعل صادر  
می کنند تا هیئت حاکمه و حزب جمهوری اسلامی را تطهیر  
کند. مهدوی کتی بورش مشتی مزدور و چماق دار حزب  
جمهوری اسلامی به صفوف استوار دانشجویان را  
"درگیری بین مردم خشمگین و گروههای سیاسی"  
قلندادی کند. خامنه ای هم این مطلب را بگونه ای  
دیگر تکرار می کند. خامنه ای می گوید: "گرفتاری -  
های بیشتر این فرصت را نداد به بود که این درد بزرگ  
اساسی را علاج کنند" یعنی "انقلاب فرهنگی" راه  
بندازند و اقامه می کنند "ثورای انقلاب تصمصم  
گرفت که دانشگا هها را بعنوان مقدمه از گروههای  
مخرب و مفسده انگیز پاک کنند" یعنی بورش و تها جم  
به دفا تر گروها ی سیاسی در دانشگاه، ضرب و شتم  
و دستگیری و کشتار دانشجویان انقلابی از بد هیئت  
حاکمه عبا رتست از آغاز "انقلاب فرهنگی".

مردم قهرمان مین ما در ۱۶ آذر ۱۳۳۲، در تظاهرات  
اشوبس رانی، در تظاهرات شب هفت و چهلم تختی،  
در زمان وقوع سیل ها و زلزله ها و در ۱۴ آبان هسا  
دیده اند که دانشگا هها از قاطعترین سنگرهای دفاع  
از خلق می باشند و در روزهای اول و دوم اردیبهشت  
امسال دیدند که چگونه پاسداران این سنگر خونین  
انقلاب را بپشت تیرها و قرار داد دند و تعدادی از

شرایطی پست تریکاری می کنند، هر روز، دهها کارگر در  
چهار گوشه ایران بخاطر نبودن وسایل ایمنی کار  
کشته میشوند و خانواده ها شان آوار شهرها و خیابانها  
میکردند. هنوز کارگران ما خانه ها ندارند و در بر بیلونه -  
ها زندگی میکنند و هنوز حتی خواست چندین ساله  
کارگران برای چهل ساعت کار در هفته به هیچ  
گرفته میشود.

قطعه نامه با افشای توطئه های رژیم در رابطه با  
سرکوب خلق کرد و کشتار دژ دانشگاهها  
... و محکوم کردن این جنایات اعلام میدارد که:  
۱ - تنها جنظ می آمریکا را بخراک میهنمان شدیدا  
محکوم می کنیم.

۲ - بمب گذاریهای اخیر در ماکن عمومی را که  
توسط عوامل مزدور و در جهت کشتار و ایجاد وحشت در  
میان مردم صورت گرفته اند قدامی فذ خلقی دانسته و  
آنها را شدید محکوم می کنیم.

۳ - با خاک یکسان نمودن شهرهای کردستان و قتل  
عام خلق کرد را با فاق تهمزهای آمریکا شای در جهت  
سرکوب انقلاب و منحرف کردن مبارزات فدا میربا -  
لیستی خلقهای میهنمان می دانیم و قاطعانه محکوم  
می کنیم.

۴ - کشتار دانشجویان انقلابی و تلاش برای خاموش  
ساختن ستکرای آزادی را که در جهت سرکوب مبارزات

فرزندان انقلابی خلق را بشهادت رسانند. خامنه -  
ای با وقاحت تمام می گوید که: "سنگر را در مقابل  
ملت مسلمان بستند" و "از این مردم کشتند و مجروح  
کردند". او عوام فریبانه برای اثبات این ادعای  
دروغین خود تلاش می کند اما مردم مبارز ما به بیمار -  
ستانها شتا فتند تا به زخمی ها خون برسانند و دیدند  
که چه کسانی بسوی سه چنگوله های در خون خویشت  
خفته اند. آری آنان دانشجویان انقلابی بودند.

خامنه ای می گوید: "در کردستان عوامل  
آمریکا نوعی رفتار می کنند و در دانشگاهها و پسا دار  
نوعی عمل می کنند و در همه محیطها و قشرهای اجتماعی  
عوامل دشمن عمل می کنند". او موزورانه از گفتن  
این خودداری می کند که چه وجه تاشا بهی بین نخوه  
عملکرد آمریکا در کردستان و دانشگاهها وجود دارد و او  
پنجا می کند که این خود هیئت حاکمه است که سیاست  
آمریکا شای اجرا می کند و آن سیاست سرکوب و یورش  
فاشیستی به مدد ارتش فذ خلقی و پاسداران است که  
با مسلطهای آمریکا شای و اسرائیلی به خلق ترکمن  
بورش می برند، کردستان را بتوت می بندند، کار -  
گران بیکار در راندیمشک، ماه شهر، درود، امفهان  
را به مسلسل می بندند، و در دانشگاهها ی سراسر  
ایران به پها نه "آغا ز انقلاب فرهنگی" کشتار می -  
کنند. بلکه هیئت حاکمه در دانشگاهها کشتار می کند  
تا فریادها ی رسائی نباشند که به مردم بگویند چه  
عواملی بنفع امپریالیسم خلق کرد را کشتار می -  
کنند. آنها می دانند که دانشگا هها هشمه جوشان آزادی  
و آگاهی است و به همین علت است که خامنه ای فریاد  
می زند: دانشگا هها بد "مقامان"، "حجره امن  
خبردهی" (البته برای ارتجاع) باقی می ماند. ولی  
ارتجاع کوراست. در طول دهها سال زندگی  
غلیبرغم بورشهای چکمه پوشان محدود فراتهای و بنگ  
پاسداران و چماق داران رژیم جمهوری اسلامی،  
دانشگاهها همواره بنشومان ستکرای آزادی، محکوم و استوار  
با برج ما نده و خواهد ما ندانند تا فریاد ما و مبارزه -  
جویانه خلقهای زحمتکش میهن ما باشد ■

فدا میربا لیستی و فدا سرمایه داری وابسته توده هاست  
قاطعانه محکوم می کنیم.

۵ - کشتار کارگران بیکار و در در هم کوبیدن شورا های  
واقعی کارگری تلاش است در جهت سرکوب جنبش  
کارگری ایران. ما اعلام میداریم که دفاع از شورا های  
واقعی، دفاع از مبارزات کارگران و زحمتکشان  
میهن ما علیه امپریالیسم و سرمایه داری وابسته است  
۶ - کارگران ایران خواستار ۴۰ ساعت کار در هفته  
و تدوین قانون انقلابی کار توسط شورا های واقعی  
کارگری هستند.

۷ - کودکان کارگری برای کامیاب شدن تحصیل کنند و  
زنان کارگر با بد از شرایطی مساوی با مسردان  
برخوردار شوند.

۸ - ما دولت را عامل اصلی گران و بیکاری و کمبود  
مسکن می دانیم. هیئت حاکمه از آنجا شیکه در جهت  
بازسازی نظام سرمایه داری وابسته است نمیتواند  
گرا شای و بیکاری ... را از زمین بردارد. ما اقدامات  
آن را در جهت فشا ر قاطعانه دی بکارگران و زحمتکشان  
محکوم می کنیم.

۹ - ما در این روز همبستگی خود را با کارگران  
سراسر جهان اعلام کرده و تا نابودی کامل سرمایه -  
داری و محو هر گونه ستم و استعمار، مبارزات خود را  
ادامه خواهیم داد ■



مناسبت صد و دهمین سالگرد تولد لنین (۲۲ آوریل - دوم اردیبهشت)  
لنین و پیکار تاریخی اش علیه روزیونیسم (۳)

هما نظور که در مباحث قبلی بیان شد، لنین روزیونیسم را بمثابه یک جریان بورژوازی و «سوسیالیسم بورژوازی» ارزیابی می کند و روزیونیسم را بورژوازی ها می گویند و روزیونیسم را به سن کرده اند معرّفی می نماید، او مطرح می کند که روزیونیسم و اپورتونیسمها حاکمین ایدئولوژی بورژوازی و امپریالیستی در درون جنبش کارگری می باشند و زمانه ای که جنبش کارگری خود را از روزیونیسم رها نماند یک جنبش بورژوازی باقی خواهد ماند. این آموزش فدروزیونیستی اساس لنینیسم می باشد.

لنین می داند که ایچا دانترنا سونال نوین، ایچا د حزب مستقل طبقه کارگر و ایچا دیک جنبش کارگری سوسیالیستی فقط از طریق مرز بندی همه - جانبه سیاسی، ایدئولوژیک و تشکیلاتی با دشمنان رنگارنگ طبقه کارگر و انواع ایدئولوژیهای ضد پرولتاریا می میراست. او می داند که طبقه کارگر مملوح به اندیشه علمی و طبقاتی خود نباشد، اگر طبقه کارگر دارای مثنی و تشکل کمونیستی خود نباشد سرتوگونی سرما به داری، تحقق دیکتاتور پیرو - لاریا و ساختن سوسیالیسم میسر نخواهد بود.

زیرا هنگامیکه سونوم ایدئولوژیک روزیونیستی این طبقه انقلابی را احاطه نماید، انقلاب جهت و از گونی بورژوازی و استقرار قدرت پرولتری امکان نخواهد داشت. لنینیسم می آموزد که «سوسیالیسم بورژوازی» در پی انقادی مناسبات تولیدی بورژوازی و در پی انقادی روابط استحکامات زمین سرما به و کار مزدوری نمی باشد. «سوسیالیسم بورژوازی» در پی آنست که شرایط حیات و بقا، جامعه سرما به داری را تا میسر نموده و پیوسته به فدیت با عواملی که شرازه جامعه کهن را از هم می پاشد بلند شود و به همین خاطر «سوسیالیسم بورژوازی» یا روزیونیسم نه قادی است بورژوازی را سرتوگون کند و نه ما هیتا توانائی ساختن سونو - سیالیسم و هادایت جامعه سوسیالیسم را دارد.

روزیونیسم در کردار

نگاهی به سیاست و عملکرد روزیونیسمها و اپورتونیستها بروشنی ما هیت بورژوازی روزیونیسم را مشخص می سازد و نشان می دهد که روزیونیسمها چگونه به خدمت گزاران بورژوازی و فدیت با پرولتاریا اقدام می نمایند:

● کاشوتسکی در باره دولت و انقلاب می گفت: «هدف مبارزه» سیاسی ما همدارین ضمن همانطور که تاکنون بوده، عبارت خواهد بود از سه کف آوردن قدرت دولتی از راه تحصیل اکثریت در پارتیلمان و تبدیل پارتیلمان به نیروی مسلط بر حکومت».

اومی گفت: «درجه رچوب یک دموکراسی بورژوازی دیگر میارزه مسلطانه برای حل و فصل تمام مسائل طبقاتی جایی نخواهد داشت».

(درک ما تریالیستی تاریخ) پرواضح است که مثنی سازش طبقاتی و استکفاف از مبارزه طبقاتی نمی تواند درباره سوسیالیسم برود.

مثنی ای که با رلمان بورژوازی را راه نجات طبقه کارگر بحساب می آورد، مثنی ای که به ستایش از دموکراسی بورژوازی و در حقیقت سلطه سرما به می - پیردازد، مثنی ای که طبقه کارگر را از تصرف قهرآمیز قدرت سیاسی منصرف ساخته و در هم شکستن دستگاه دولتی سرما به داری و تحقق انقلاب اجتماعی را نفی می کند، آری چنین مثنی ای هرگز نمی تواند در راه آرمان پرولتاریا به پیش رود.

روزیونیسمها صحبت از تصرف قدرت سیاسی می کنند، ولی عملاً این مسئله را که «دولت محصول آشتی ناپذیری طبقاتی است» (لنین) و بنا بر این با بد بطور جبری و قهری سرتوگون شود را بدست فراموشی می سپارند، آنان این آموزش اساسی مارکسیستی را بدست فراموشی می سپارند که میگوید: «اندیشه ما رکن عبارت از اینست که طبقه کارگر با پیدایش دولت حاکم را در آورده و خرد کند و در هم بشکند، نه اینکه به تصرف ساده آن اکتفا ورزد» (لنین، دولت و انقلاب)

آنان بجای انقلاب، مبلغ زفرم و املاحات در چهارچوب مناسبات سرما به داری می باشند. ● کاشوتسکی در باره امپریالیسم می گفت: «تامل سرما به به بسط و توسعه» «بهرتزاز هر چیز به وسیله دموکراسی فمالمت آمیز ممکن است عملی گردند به وسیله شیوه های قهری امپریالیستی» (دولت ملی، دولت امپریالیستی و اتحاد دولتها).

او اضافه می کرد: «آسیات امپریالیستی کنونی ممکن نیست به وسیله سیاسی جدید یعنی سیاست اولترا - امپریالیستی که استعمار مشترک جهان را از طریق یک سرما به مالی در مقیاس بین المللی متحد شده جا بگزین میارزه بین سرمایه های مالی ملی بنماید، از منته بدر شود».

پرواضح است مثنی ای که سیاست امپریالیسم را از اقتصاد آن جدا می کند، مثنی ای که جدا از اقتصاد و ستمگری امپریالیستی را ذاتی امپریالیسم بشمار نمی آورد، مثنی ای که تفاوت درونی امپریالیسم را بنه ان می کند و در عرصه امپریالیسم برقرا ری مملوح «از طریق یک سرما به مالی در مقیاس بین المللی متحد شده» را نوید می دهد و با لنینیسم ناگزیری جنگ امپریالیستی را نفی می کند، مثنی ای که بر اساس این ارزیابی اقتصاد از ما هیت امپریالیسم مطرح نشوری ارتجاعی «امپریالیسم بدون شیوه قهری»، انقلاب پرولتری و برقرا ری سوسیالیسم را نفی کرده و یک راه عمل زفرمیستی ارائه می دهد، بله، چنین مثنی ای هرگز نمی تواند پرولتاریا را در آستانه انقلاب پرولتری را به تصرف قدرت سیاسی راهبری کند.

● اپورتونیسمها و سوسیالیستهای در قبال جنگ امپریالیستی چه گفتند؟ آنها در زمانی که جنگ امپریالیستی فرا رسیده و در عین حال شرایط مساعدی جهت انقلاب فراهم شده بود، آشکارا به حمایت از بورژوازی خود بلند می شوند. در چنین شرایطی تا کنیک انقلابی پرولتاریا چه بود؟ لنین می گفت: «هرگونه جنگی از طرف بورژوازی این کشورها

فقط میتواند جنگ ارتجاعی باشد. پرولتاریا نه تنها باید با هر نوع جنگی از این قبیل فدیت ورزد، بلکه باید خواهناستار شکست دولت خود» در چنین جنگهایی با دشمنان چه قیام بمنظور جلوگیری از جنگ به موفقیت نیامد از این شکست برای قیام انقلابی استفاده نماید» (برنامه جنگی انقلاب پرولتاریا) ولی در همین زمان اپورتونیسمها و سوسیالیستها تحت عنوان «دفاع از زمین» به حمایت از جنگ امپریالیستی و اهداف زنگرانده آبلنسد شده، به اعتبارات جنگی بورژوازی رای داده و حتی به وزیران جناح ارتداد دولت بورژوازی تبدیل می شوند. روشن است مثنی ای که «حق» این آبلنسد قدرت امپریالیستی می دانند تا مثنی را غارت و چپاول کنند مثنی پرولتاریا نبوده بلکه مثنی امپریالیستی میباشد.

● روزیونیسمها در قبال مملوح تحت ستم امپریالیسم چه موضعی اتخاذ نمودند؟ آنان به توجیه سیاست مستعمراتی و تجاوزگرانها امپریالیستها پرداخته و بوغ اسارت و بردگی فیلیپینها توده زجتش مقدمات را تا شدمی نمودند. ارتداد روزیونیسمها آنچنان بعد پیدا می کند که آنان ضحیت از سیاست استعاری سوسیالیستی «نموده و عملاً به کارگران بورژوازی امپریالیستی در انقیاد مملوح تحت ستم تبدیل می شوند. آنان سیاست خود را این زمینه چنین تعیین می کنند:

«کنگره در اصول و در هر زمان هر سیاست استعماری را مردود نمی داند، به تحت یک رژیم سوسیالیستی می تواند رای نفوذ کنندگان ای باشد».

(بمقل از نوشته لنین: «کنگره سوسیالیستی بین الملل از شونگارت»)

زمانی که پرچم لنینیسم را برافراشته اند آزادی پرولتاریا و خلقهای تحت ستم جهان بود، اپورتونیسم در پی تشبیه ستم امپریالیستی در مستعمرات بود. زمانی که لنینیسمها نگرانی استینا نترنا سونو - سیالیسم پرولتری بود، روزیونیسم تحت عنوان «سیاست استعاری سوسیالیستی» و «گسترش تمدن» طناب انقیاد توده های استبدادی جهان را مستحکمتر می نمود.

چه کسانی سوسیالیست بودند

به این ترتیب متوجه می شویم که چگونه سوسیالیستهای سونو سیالیسمها با همان روزیونیسمها تحت عنوان جانبداری از طبقه کارگر به سازش و ممالکات با قدرت سرما به پردازده و چگونه به پرولتاریا رخبانتمی - ورزیدند. آنان در گرفتار زمانی رکن سوسیالیسم حمایت می کردند و از راهی طبقه کارگر دم می زدند، ولی در عمل و کردار سیاسی - اجتماعی شان به بورژوازی امپریالیستی مدد می رسانند. آنان از سوسیالیسم و تصرف قدرت خرف می زدند، ولی در کردار در برابر فدوگراسی بورژوازی و بارلمانتر - یسم کندیده سرما به داری گریختن نموده و از زیر و رو و تربیت انقلابی توده ها جهت سرتوگونی قهرآمیز سلطه سرما به خودداری می کردند. آنان از سوسیالیسم حرف می زدند، ولی در عمل نشوری انقلاب و روی آوردن به عملیات انقلابی و مستقیم علیه بورژوازی را بدست فراموشی سپرده بودند. آنان حمایت از کارگران را مطرح می ساختند، ولی در همان زمان تحا و زحمتک امپریالیستی را تا شید کرده و فرما می کنند رملسون - ها کارگر توسط جلادان سرما به ارام می نمودند.



دیگری پیکار خود را علیه رویزیونیسم گسترش بخشیم .  
گرایش قوی و شدت با فتنه رویزیونیستی ما زمان  
جریکهای فداشی خلق و انحراف رویزیونیستی "راه  
کارگر" برای تمام کمونیستهای ایران رنگ خنثی است .  
آری رفقا ، با پادشاهان و پادشاهان لنین را چیراغ  
را هنمای خود ساخته و بیگنا نه در آستان پرو -  
لناریا به پیش رفت ، با پدیرجم ظفر نمون کمونیسم  
را پیوسته در اهتزازنگاه داریم و همیشه و همیشه در یاد  
داشته باشیم که " نشان کمونیست را ستین ، قطع رابطه  
با بورژوازیست " (لنین : سخنرانی در دفاع  
از تکتیکهای انترناسیونال کمونیستی ) .  
آری رفقا ، با پدیرجم تا شاگردان راستین  
لنین گمیرباشیم ■

بقیه از صفحه ۷ پاسخی به ...

سپاه را برای سرکوب نیروهای انقلابی بسیج  
ننمودند ، هیچ موقع ارتش را برای سرکوب خلق  
بکار نرفتند ، مطلقاً قلب پرطش دهها دانشجوی  
مبارزه را در جهت راست پویش انقلاب فرهنگی  
از حرکت و فعالیت بازداشتند ، ... اما می بینیم  
که عملکرد جمهوری اسلامی ایران چیز دیگری بوده و  
حکایت از خط مشی و اهداف دیگری دارد ، بنا بر این  
سفسطه نکنید و حقایق را وارونه جلوه ندهید و مردم  
را تحمیل ننمائید ، البته وقتی شما توطئه های رژیم  
حاکم را برای بسیج ارتش در جهت سرکوب خلق قهرمان  
کرده ما نظور که رژیم می خواهد ما را از وجودیت  
و نمودنی کشید و در عوض دفاع خلق کردار از موجودیت  
خود که وحشیانه مورد تجاوز قرار گرفته است کک به  
حکومت فاشیستی عراق تعلق می نمائید ، از شما  
انتظاری جز این نیست که برای بی اعتبار کردن  
نیروهای انقلابی آنها را با حزب توده زمان مصدق  
مقاوم کنید و در عوض برای اغتیا زبختیدن به  
حکومت فعلی ایران ، آنرا از کتا رژیم های ملی  
مصدق و آئنده قرار دهید ، اما اگر شما نمی خواهید  
رابطه با این مسائل بلدی و روش حقایق را با زکو  
کنید ، بلاشک تاریخ شما را از " شتاب " در خواهد آورد .  
در باب این لازم می دانیم متذکر شویم این نوشته مشتمل  
بر یک پاسخ همه جا ندهنده کلیه اشکالات و حملات  
مطروحه در مقاله مزبور به ما و سایر نیروهای انقلابی  
نیبودلی برای خودداری از طاله مقال بهمین  
مقدار رسیده شد .

بقیه از صفحه ۱۱ اخبار ...

کارگران به از سر گرفتن کار و تحمیل پیشنهادات ناچیز  
بر آنان می باشد ، ولی هزاران فلزکار برزلیسی  
علیرغم این اقدامات و زورهای فاشیست سرخستانه  
مبارزه خود را ادامه می دهند و آنرا تا رسیدن به  
خواستهای برحق خود پی میگیرند . ۴۰/۰۰۰ فلزکار  
اخیرا در جلسه ای تصمیم گرفتند مبارزه خود را تا  
بر آورده شدن خواستهای خود با نیروی دهها بار  
بیشتر علیه ستوا و شمشا روحشانه سرمایه داری  
بیش برند .  
جنبش اعتراضی فلزکاران برزیل از دوازدهم  
فروردین ماه آغاز شده است ، دیکتاتور نظامی و  
دستگاه پلیسی وی نمی توانست از پیشروی خلق  
زحمتکش برزیل که بسیج شده است تا با عملیات  
اعتراضی و انقلابی قدرت ارتجاعی را سرنگون سازد ،  
جلوگیری نمائید ، همچنین ۱۲ هزار راننده "بندر  
سانتور" در "ساووپولو" اعتصاب بزرگی را برای  
دفاع از حقوق خود سازمان داده اند ■

برای اینکه بتوان شرایط شکست سرما بهره را فراهم  
نمود ، با بدین دمل چرکین رانا بود ساخت .  
کسانی که ما هیت طبقاتی رویزیونیسم را در -  
نیا بند ، کسانی که ما هیت مشی سوسال امپریالیستها  
را درک نکنند ، نمی توانند بطور پیگیر و تا آخر  
علیه بورژوازی بجنگند زیرا خود هنوز در جهار چوب  
فکری بورژوازی حرکت می کنند ، رویزیونیسم همیشه  
با نفی آشکار اصول مارکسیستی مترادف نیست ، به  
همین دلیل باید جوهر و اشکال پیچیده ایدئولوژی  
بورژوازی را شناخت ، با پدیدر کرده که مشی سوسال  
امپریالیستی جزیک می بورژوازی و فدا انقلابی  
چیز دیگری نیست ، با پدیدر کرده که مشی رویزیونیستی  
دشمن سرخست جنبش کارگری است ، با پدیدر کرده  
رویزیونیستی کارگران مستقیم سرمایه داری ،  
تخریب کننده استقلال پرولتاریا و تضمین کننده  
حاکمیت بورژوازی می باشد ، بدون مرزبندی  
تئوریک و عملی با رویزیونیسم شکست جنبش کارگری -  
کمونیستی حتمی است ، لنین می نویسد :

"یکی از شرایط لازم برای آماده ساختن پرولتا -  
ریا برای پیروزی مبارزه ای طولانی سرخست  
و بیرحم بر علیه اپورتونیسم ، رفرمیسم ، سوسال  
شونیسم و نفوذ گرایان ، مقابله بورژوازی که  
اجتناب ناپذیرند ، زیرا پرولتاریا در یک محیط  
سرمایه داری زیست می کند ، اگر چنین مبارزه ای  
نیاید ، اگر اپورتونیسم در جنبش طبقه کارگر  
کاملاً شکست نخورد ، دیکتاتوری پرولتاریا  
نمی تواند بوجود آید ، بلشویسم در سال ۱۹۱۹ -  
۱۹۱۷ نمی توانست بورژوازی را شکست بدهد  
اگر قبل از کن در سالهای ۱۹۱۷ - ۱۹۰۶ یاد  
نگرفته بود که منشویکها را یعنی اپورتونیستها ،  
رفرمیستها ، سوسال - شونیستها را شکست  
دهد و آنها را بر حمله از حزب پیش ، قرار  
پرولتاریا بی اخراج کند" .  
(انتخابات مجلس موسان و دیکتاتوری ، پرولتاریا)

مبارزه سرخست و طولانی نه تنها تضمین کننده  
با کیزگی و استحکام منبردگار علیه سرما به است ، بلکه  
همچنین ما مبارزه واقعی و خلل ناپذیر علیه  
امپریالیسم است ، پرولتاریا توده های که در راست  
ایدئولوژی و فرهنگ بورژوازی و امپریالیستی  
قرار دارند ، چگونه می توانند علیه سرمایه داری  
کننده مبارزه کنند ؟ مبارزه پیگیر فدا میرالیستی ،  
نیاز به یک مشی و ایدئولوژی فدر سرمایه داری دارد ،  
حال آنچه ما می دانیم رویزیونیسم یک جریان بور -  
ژواشی است بهمین لحاظ بوده که لنین مطرح میکرد :  
"اگر ما روزه علیه امپریالیسم بطور لاینفکی با  
مبارزه علیه اپورتونیسم توانیم ، نباشد ، جز  
عبارت برداری بوج و دروغ چیزی نخواهد بود" .  
(امپریالیسم به ما آخرین مرحله سرمایه داری)  
آری رفقا ، پیکار انقلابی فدر رویزیونیستی را  
هرگز فراموش نکنیم ، زیرا مبارزه آشتی ناپذیر فدا  
رویزیونیستی معیار اساسی حالت هر شکل کمو -  
نیستی است ، ما باید از آموزشهای لنینیسم بیاموزیم  
و آموخته های خویش را سرخستانه بکار گیریم ، پیشبرد  
مبارزه فدر رویزیونیستی وظیفه اساسی و همیشگی  
ماست ، و بخصوص امروز که ما در رویزیونیسم به  
خطر عمده ای که جنبش کمونیستی ایران را تهدید  
می کند ما می توانیم نشان ندهای آنرا در انحرافات  
رویزیونیستی متعددی که یکسری از تشکلات مارکسیست  
را فرا گرفته است مشاهده نمائیم با بدیش از هر زمان

در یک کلام رویزیونیستها و سوسال - شونیستها در  
گفتار از سوسالیسم حرف می زدند ، اما در کردار دامیر -  
بالیستی عمل می کردند ، بهمین خاطر لنین در باره  
اپورتونیستی مرتدمی گفت :

"پیتوبان حزب کمونی به اصطلاح "سوسال -  
دموکرات" لیمان بحق و ساجا به "سوسال -  
امپریالیست" یعنی سوسالیست در گفتار و  
امپریالیست در کردار را ملقب شده اند" .

(امپریالیسم به ما آخرین مرحله سرمایه داری)  
لنینیسم پرجم شکست ناپذیر مبارزه انقلابی  
پرولتاریاست ، لنینیسم برای پیروزی قطعی کارگر  
سرمایه می جنگد و در این راه به تمام دشمنان طبقه  
کارگر اعلام جنگ می کند ، پیکار لنینیسم در جنبش  
کارگری متوجه رویزیونیسم فدا انقلابی بورژواشی  
می باشد ، چرا که ما من و حفظ استقلال سیاسی -  
ایدئولوژیک و تشکیلاتی پرولتاریا که پیش شرط  
پیروزی کارگر سرمایه است ، با این پیکار روبروی -  
بونیستی عین می باشد ، بقول لنین :

"اپورتونیسم و سوسال - شونیسم یک مضمون  
سیاسی - ایدئولوژیک دارند : همکاری طبقاتی  
بجای مبارزه طبقاتی ، چشم پوشی از شیوه های  
انقلابی مبارزه ، بیاری کردن حکومت کسور  
"خود" در موقعیت پریشانی بجای بهره برداری  
از این پریشانی برای پیشبرد انقلاب "ویسه  
همین خاطر "هیچ مارکسیستی تا کنون تردید  
نداشته است که اپورتونیسم بیان سیاستهای  
بورژوازی در جنبش کارگری است" .  
(سوسالیسم و جنگ)

لنینیسمی آموزنده که رویزیونیسم و "اپورتونیسم  
دشمن اصلی ما است" و بنا بر این چگونه می توان با  
دشمن اصلی در یک جنبه باقی ماند چگونه می توان  
با دشمن اصلی جنبش طبقه کارگر در یک حزب همزیستی  
داشت ؟ پرولتاریا با بورژوازی سرآشتی نمیتواند  
داشته باشد ، بهمین منظور باید بطور مستمر صفوف  
ایدئولوژیک و سازمانی پرولتاریا را از فساد دور -  
زوازی پاک کرد ، زیرا پیروزی در مبارزه طبقاتی  
علیه سرمایه و به پیشروی در راه کمونیسم تنها از راه  
پیکار فدر رویزیونیستی می گذرد ، در همین ارتباط  
بوده که لنین می گفت :

"با داشتن رفرمیستها و منشویکها در صفوف خود ،  
فتح در انقلاب پرولتاریا غیر ممکن و نگا هاری  
آن محال می باشد" .

ورفیک استالین اگاه می کوه :

"هرگاه حزب ما نتوانست یگانگی داخلی و  
بیوستگی بی نظیری را ، که در صفوف وی وجود  
دارد ، ایجاد کند ، علت آن مقدم بر همه این بود  
که موقع خود را از لوت اپورتونیسم میسرا  
ساخت و انحلال طلبان و منشویکها را از داخل  
خود بیرون ریخت ، راه رشد و استواری احزاب  
پرولتاریا عبارت است از تمفیه آنها از  
اپورتونیستها و رفرمیستها ، سوسال امپریا -  
لیستها و سوسال شونیستها ، سوسال میهن -  
پرستها و سوسال - پاسیفیستها ، استحکام  
حزب وابسته به تمفیه آن از عناصر اپورتونیست  
است" . (تاریخچه حزب بلشویک ، تاکیدات آزماسه)  
با رویزیونیسم نمی توان همزیستی داشت زیرا  
رویزیونیسم دمل چرکین بورژواشی است ، بنا بر این  
برای سلامت و شکوفایی جنبش کارگری و کمونیستی ،





رفیق شهید احمد مؤذن

## خبر کوتاه بود: اعدامشان کردند



رفیق شهید شهابلی

قارنا و کانی ما سپیدوقه لاتان و اندیمتک و دورود و انشکا تهران و... یکی پس از دیگری تکرار می - شود و جوبه های دارا علیه نیروهای انقلابی و کمو - نیست برمی افرازند. آزی دشمنان خلق آزادی خود را در اسارت خلق یافته اند. سخن کمونیست انقلابی بزرگ رفیق هوشی مین را بیاد دارا بزم که :  
"ببین ما و امیربالیستها دره ای عمیق وجود دارد که با پیدا خاکستر کمونیستها برنود."  
خلقهای ما به دشمنان خود که از اسلافشان پسند نکرفته اند درسهای تلخی خواهند داد. این حکم تاریخ است.  
ما زمان بیکار در درازا آزادی طبقه کارگر

۵۹/۲/۱۲

اعلامیه شماره ۸۲

انقلابیون و مدافعین سرخست زحمتکشان بکار برنده شده است؟ و کیست که نداند دشمنان و زندان و اعدام بهیچ روفا قدر نیست کمونیستها را از افشای حقایق و فدکاری در راه سعادت بشرمانع شود؟  
اخیرا رسیده حاکمی است که از سوی به اصطلاح دادگاه انقلاب، عکس ۶ نفر (منجمله دور رفیق شهید) پخش شده است و آنان را بادروغ مسبب حوادث دانشگاه احوال ز قلمداد کرده اند. در صورتیکه همگان میدانند که کشتار در دانشگاه احوال ز عملکرد رژیم جمهوری اسلامی و پاسداران و قداره بندگان آنست.  
آری، ما و کیاها آزادند و از ما به اصطلاح تجار بستان برای بازاری سازی ساواک جدید (ساواک) و شکنجه گاهها استفاده میشود. برای خلق کرد و دیگر خلقهای ایران حماسهای خون برآه می اندازند. جناب است

ما لهاست با چنین اخباری آشنا شئیم. داریم . رفقا شئ دلیر، بیکار و روحیانی سرخست که در راه مبارزه با امیربالیسم و عمالشان و در راه دفاع از منافع زحمتکشان به جوجه های اعدام سپرده شدند و همزمانی سازشنا پذیر را به همین ترتیب از دست دادیم و امروز نیز خون سرخ شهدایمان، را صعب و دشوار آزادی و استقلال را هم چنان گلگون نگاه می دارد. اما اگر کشتار فرزندانشان خلق رژیمها را نجات داد، اینها هم نجات خواهند یافت.

## رفیق احمد مؤذن

فارغ التحصیل دانشگاه احوال و یکی از مسئولین دانشجویان و دانش آموزان احوال در زمان درخوزستان که فلما لانه در راه آزادی طبقه کارگر فلما لیست می کرد و یکدم از افشای توپخانه های امیربالیسم و ارتجاع که علیه مبارزات دموکراتیک - ضد امیربالیستی خلقهای ستمدیده ایران تدارک و اجرا می - شود، غافل نبود. پس از ۲۴ ساعت که از دستگیری اش می گذشت در پیدا دگانه که در آن جنا بنگاران در میسند قضاوت و انقلابیون درجا بگانه آنها منشته بودند، به اعدام محکوم شد و پیشا دت رسید.

## رفیق دانیالی

نیز که دیپلمه بیکار بود و دلش جود در راه شئ زحمتکشان نمی تپید و هما نند رفیق احمد مؤذن یک کمونیست انقلابی بود، بدست جلادان رژیم جمهوری اسلامی بجرم افکار و آرمها و فعالیتهای انقلابی اش پیشا دت رسید.  
بنا بر اعلامیه "دادگاه انقلاب جرم (!) این - رفقا شرکت در ترحمن بیکاران، همدردی با کارگران و زحمتکشان، فعالیت آگاهانه در دانشگاهها و در بین توده های مردم بوده است!

آیا توده های زحمتکشی که پس از دهها سال ستم رژیم مغرب پهلوی، پس از ما لها، استعما سرما به - داران و زمینداران بزرگ بر رژیمها و اربابان آمریکا شیش شوریدند و آنرا سرنگون کردند، فعالیت نیروهای انقلابی در حمایت از حقوق زحمتکشان را "جرم" می شمارند؟ آیا کارگرنی که تحت فشار و شکن هزین زندگی و گران بی خانمانی و عدم دسترسی به حداقل زندگی بکانشان، روز و شب در کارخانه ها استعما رمی شوند و جان می کنند، حمایت نیروهای انقلابی از حقوق شان و همدردی با آنشان را "جرم" می شمارند؟ آیا تلاش در راه آنگاه دانشگاه همچنان سترگ آزادی بنام "جرم" است؟

از اینها که بگذریم در کدامگاه، با حضور کدام هیئت منصفه، با کدام وکیل اینان محاکمه شده اند؟ رژیم جمهوری اسلامی که برای غاشنی همچون هویدا ماها محاکمه ترتیب می دهد، برای کسی مانند تهرانی جلاد و شکنجه گرا و اک ساعتها محاکمه در اصل نمای تبلیغاتی راه می اندازد، برای دزد جنا بنگار و خاشنی چون شیخ الاسلام زاده چندبار دادگاه تشکیل می دهد و سرانجام از مجازات او در - می گذرد و برای جاسوسان آمریکا شئ به تریبون شرایط زندگی را فراهم می نماید، چرا برای نیروهای انقلابی و کمونیست که افتخارات تاریخ با نام و مبارزات آنان گره خورده است و در راه مبارزه آشتی نا پذیر با امیربالیسم و عمالشان لحظه ای تردید بخود راه نداده اند، اینچنین حکم اعدام ما در می کنند؟ کیست نداند که چنین احکام جنا بنگارانه ای که امروز بنام "دادگاههای انقلاب" ما در میسند، با راهان در کردستان و ترکمن صحرا و خوزستان و... علیه

## زندگی نامه رفیق شهید احمد مؤذن

رفیق احمد مؤذن در سال ۱۳۳۲ در خا سوادهای سنتی و متوسط در شهر دزفول بدنیا آمد. در سال ۱۳۵۲ با رتبه اول به دانشگاه احوال راه یافت. رفیق بدلیل جو مذهبی خانواده و شهرت سال ۵۵ مذهبی و از طرفداران سرخست دکتر شریعتی بود. شرکت فعال در مبارزات دانشجویی، رفیق را هر چه بیشتر با مارکسیسم - لنینیسم آشنا نمود بطوریکه در سال ۵۵ ابدشولوزی طبقه کارگر را بعنوان یگانه راهنمای ظفر مومن زها شئ خلقها و زحمتکشان پذیرفت و بدین ترتیب انرژی انقلابی رفیق آزادتر گشت و ابعا دروا بطش با دانشجویان انقلابی بیشتر شد بطوری که در مبارزات صنفی - سیاسی دانشگاه احوال در ردیف فعالترین دانشجویان قرار گرفت. رفیق در طول زندگی مبارزاتی اش چند در دانشگاه و چند در شهر با تلاش خستگی ناپذیر خود سعی در تبلیغ و ترویج در میان نیروهای مادی انقلابی و جذب آنها داشت. رفیق احدیکی از فعالین موثر در تشکیل دانشجویان م. ل. و کشودن دفتر دانشجویان مبارز طرفدار آزادی طبقه کارگر بود. پس از شروع مبارزات سیاسی - علمی دانشجویان او از جمله کسانیکه بوده همواره تا ماج حملات عوامل ارتجاع و عمال دولتی بود.

احمد پس از قبول مرزبندی دقیق نیروها در ردیف دانشجویان مبارز، همواره یکی از مبلغین و مروجین فعال این نقطه نظر بود، بهمین علت یکی از اولین کسانیکه بود که در تشکیل "دانشجویان احوال" در سال ۵۹ بیکار در راه آزادی شرکت داشت. او بدست

بر خورداری از آگاهی سیاسی - تئوریک نسبتا بالا در تهیه و تدوین جزوات و اعلامیه ها و برپا میهای سیاسی دانشجویان احوال در زمان نقش بنزاشی داشت، یکی از آنها رمدون و با ارزش رفیق، مقاله ای تحت عنوان "شوراها و دانشجویی و وظایف دانشجویان مارکسیست - لنینیست در مقابل آن" میباشند. او به توده ها و به راهان آن ایمان داشت و در بینوند با زحمتکشان تلاش می نمود. و با چنین درکی بود که در حوزه فعالیت خوب یعنی کار در میان دانشجویان - بان و دانش آموزان و با تبلیغ مارکسیسم - لنینیسم در میان زحمتکشان فلما لانه وظایف سازمانی خود را انجام می داد. او در بهمن ماه ۵۸ لیسانس خود را در رشته آبیاری (کشاورزی) اخذ نمود و سپس فعالیت خود را بطور سیستماتیک در دانشگاه احوال و شهر دزفول ادامه داد. جوانان و نوجوانان انقلابی دزفول همواره چهره جدی اما خندان او را که همیشه او را خرفته یا کوله باری از "بیکار" و "۱۳ آبان" و "۱۶ آذر" و اعلامیه های جدید سازمان به دزفول می آمدند موش نخواهند کرد!

رفیق احمد در روز خمه و جنبان نه مزدوران رژیم و حزب جمهوری اسلامی و جنبی حاکم شرع به دانشگاه احوال زتوانست جان سالم بدربرد، اما روز بعد مزدوران رژیم جمهوری اسلامی پس از شناسائی او در یکی از خیابانهای احوال دستگیر و پس از شکنجه - های جسمی و روحی فراوان در سرکار روز جمعه ۵۹/۲/۱۲ بیکارگری را که فلشش برای زحمتکشان می - تپید شیربان نمودند. با دش گرامی و راهش با بداریاد.

گرامی می یاد با دشدهای بخون خفته خلق  
۵۹/۲/۱۲



